

اتحاد چپ کارگری

شماره 196 سه شنبه 10 آبان 1384 - 1 نوامبر

روی ماست، تبادل نظر و همفکری کنیم و امیدوار هستم که امشب مداخله فعال شما پاسخ مثبتی به این دعوت باشد و در آینده هم به شیوه های دیگر و حتا با پیشنهادات و ابتکارات شما به این دیالوگ ادامه بدهیم - صرفنظر از این که اسناد راه کارگر چه بوده است.

ما می توانیم در سایت راه کارگر ستونی را باز کنیم تا شما اگر روی این اسناد یا روی صحبت های امشب من حرف و انتقادی یا پرسشی دارید بنویسید و بفرستید ما آن ها را درج می کنیم و پاسخ هم می دهیم. حتا خارج از چهارچوب بحث های امشب یا اسناد راه کارگر، مسائل و راه حل هایی که به فکرتان می رسد را بفرستید درج کنیم و بحث کنیم. ما از هر نوع پیشنهاد و ابتکاری برای این که در این شرائط که طبقه کارگر فعال است و جنبش کارگری به این نوع فعالیت های فکری و سیاسی هماهنگ بین ما ها نیازمند است، بتوانیم دست در دست هم کارهایی را انجام بدهیم، استقبال می کنیم.

یک مسئله بزرگ امروز، موجودیت و دوام رژیم جمهوری اسلامی است. هر کس به دلیلی و به هر حال می خواهد از شر این رژیم خلاص بشود. ولی می بینیم که این رژیم هنوز جان سختی می کند و سر جایش است. " معمای" خلاصی از رژیم گونی بالاخره هنوز پاسخی پیدا نکرده است. می بینیم که بر اساس چگونگی پاسخ با این مسأله صف آرائی هایی صورت می گیرد. یک عده از طریق طومار امضا کردن؛ یک عده از طریق دخیل بستن به آمریکا؛ یک عده از این طریق که آمریکا اسلحه هایشان را پس بدهد، ... هرچرانی بر حسب طینت طبقاتی خودش و منافی که دارد دنبال راهی است. ما چه باید بکنیم؟ ما باید به دنبال چه راهی برای خلاصی از این رژیم باشیم؟ قطعاً باید به دنبال راهی برای سرنگونی باشیم که به اهدافی که در مبارزه طبقاتی داریم پاسخ بدهد. در اینجا یک مسأله مطرح می شود: رابطه مبارزه ضد استبدادی و مبارزه طبقاتی.

این کاملاً درست است که مبارزه ضد استبدادی یک مبارزه همگانی و فرا طبقاتی است؛ اما آیا مبارزه ضد استبدادی از مبارزه طبقاتی منفصل است؟

برخی می خواهند این را به ما بقبولانند و ما را وادار بکنند که از مبارزه طبقاتی دست بکشیم تا این مبارزه همگانی به فرجام برسد. اینان استدلال هایی هم دارند: می گویند مبارزه ضد استبدادی مبارزه ای طبقاتی نیست، برای مطالبات عمومی است؛ برای آزادی های سیاسی و شهروندی و حقوق مدنی است. یا می گویند که خود طبقه کارگر ضرورتاً باید در مبارزه ضد استبدادی مشارکت فعال داشته باشد چرا که از

مبارزه طبقاتی در پیکار با استبداد

سخنرانی شهاب برهان

پیرامون مصوبات کنگره دهم راه کارگر پیش از ورود به بحث اجازه می خواهم توضیحی را که لازم می دانم بدهم.

عنوان صحبت امروز به مصوبات کنگره دهم راه کارگر مربوط می شود. از این جهت من لازم می دانم در بدو صحبت هایم بگویم که هر چند که این موضوع در دستور است ولی من قصد ندارم از این تریبون عمومی طرفداران سوسیالیسم جهت تبلیغ برای راه کارگر استفاده کنم. ما همه طرفداران سوسیالیسم و فعالین جنبش کارگری با انبوهی مسائل رو به رو هستیم که یا هرکدام برای آن ها پاسخ هایی داریم، یا به دنبال پاسخ هایی می گردیم. راه کارگر هم در این میان بعنوان بخشی از همین نیرو مسائلی را در برابر خودش می بیند و پاسخ هایی برای آن ها دارد که بخشی از آن ها در اسناد کنگره دهم اش منعکس اند. قصد من این نیست که در اینجا بطور مشخص یک یک این سه سند و ماده به ماده آن ها را به بحث بگذارم بلکه قصد من این است که آن مسائل اساسی و مهمی را که ما در برابر خودمان دیده ایم و تصور می کنیم که این ها نه فقط مسائل ما بلکه مسائل عموم فعالین کارگری، پیشروان جنبش کارگری و طرفداران سوسیالیسم هست، یا قاعدتاً باید باشد، با هم به بحث بگذاریم و روی آن ها تبادل نظر کنیم. این ها مسائل استراتژیک جنبش ما هستند که با تبادل نظر و همفکری باید برایشان پاسخ پیدا کنیم و پاسخ های موجود را تکمیل یا اصلاح کنیم. به این دلیل من یک رشته مسائل و سئوالاتی را که گمان می کنم علی القاعده باید دلمشغولی عمومی ما طرفداران سوسیالیسم و فعالین جنبش کارگری باشد، مورد بحث قرار می دهم.

قطعاً همه موضوعاتی را که در این اسناد مطرح شده اند نمی توانم در اینجا به بحث بگذارم بلکه سعی می کنم که رؤس و اهم مسائل را طرح بکنم چون فرصت کم است. پس می خواهم بگویم که نباید انتظار داشت در این یک جلسه چه از جانب من و چه از جانب شما - که امیدوارم در این بحث ها فعالانه مداخله کنید - همه حرف ها گفته بشود. صحبت در باره این مصوبات برای من بهانه ایست برای دعوت از همه شما و از همه رفقای فعال در جنبش کارگری و طرفداران سوسیالیسم که برای راه انداختن یک دیالوگ خانوادگی و رفیقانه روی مسائلی که مسائل همه ماست، مسائل طبقه ماست، مشکلات روزمره و مسائل چشم انداز و افق رو به

هر کس دیگر به دموکراسی نیازمندتر است. یا استدلال می کنند که اصلاً برای آن که طبقه کارگر در راه منافع خودش و در آینده در جهت حاکمیت خودش حرکت بکند، در قدم اول باید استبداد را بعنوان مانع مقدم از سر راهش بردارد؛ باید به دموکراسی دست پیدا کند و فضای دموکراتیک برای حرکت اش پیدا کند. پس تقدم با مبارزه ضد استبدادی است و در این مبارزه طبقه کارگر باید منافع و مبارزه طبقاتی اش را به حاشیه براند تا با غلبه بر استبداد، فضا برای مبارزه طبقاتی باز بشود.

در این استدلالات ذره ای حقانیت نیست. همین الان در ایران می بینیم که همین مبارزه جاری با استبداد، آشکارا یک مبارزه طبقاتی است. تمام اپوزیسیون رژیم در مبارزه با این حکومت دارند منافع طبقاتی خاص خودشان را تعقیب می کنند - چه اصلاح طلبان و چه طرفداران سرنگونی. اپوزیسیون بورژوازی، هم در مبارزه با استبداد دینی، و هم در رقابت و مبارزه طیف های درونی خودش بر سر جایگزینی این حکومت، به دنبال منافع و امتیازات طبقاتی خودش است. اما همه این ها تلاش می کنند مسأله را برای مردم، فقط مسأله استبداد دینی جلوه بدهند، در حالی که برای خودشان مسأله مالکیت و ثروت در مبارزه با این حکومت مطرح است و فقط مسأله استبداد دینی نیست. اغلب این ها خودشان مستبد های باسابقه یا مستبد های بالقوه ای هستند؛ با استبداد هم مسأله ای ندارند ولی تلاش شان این است که برای مردم تمام مسأله را در استبداد مذهبی خلاصه کنند. تلاش می کنند توده های مردم را به مبارزه با استبداد دینی محدود کنند تا بتوانند از آن ها بعنوان گوشت دم توپ یا وسیله ای برای کنار زدن رژیم استفاده کنند و سوار بر دوش آنان به اهداف و آمال طبقاتی خودشان برسند.

اما این استبداد دینی، شکل دولت سرمایه داری است که در ایران حاکم است. مبارزه طبقات پائین با شکل استبدادی یک دولت سرمایه داری نمی تواند از مبارزه طبقاتی شان منفصل باشد. به همین دلیل هم هست که ما امروز علاوه بر مبارزات صرفاً ضد استبدادی، شاهد وجود جنبش های گسترده مطالباتی و اجتماعی هستیم. اما وجهی از مبارزه طبقاتی بورژوازی، خاموش نگهداشتن همین مبارزه طبقاتی پائینی ها علیه بالائی ها در متن پیکار با استبداد است. تلاش بورژوازی این است که همین جنبش های اجتماعی و مطالباتی را اگر زور اش برسد - که نمی رسد - خاموش کند، منفعل و تماشاگر نگهدارد؛ به حاشیه براند و نگذارد که مردم این مطالبات شان را در مبارزه ضد استبدادی وارد کنند.

اما برای ما مبارزه ضد استبدادی از مبارزه طبقاتی جدا نیست. ما می گوئیم که برای سرنگون کردن چنین دولتی، تنها اهرم ضد استبدادی کافی نیست و باید مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان هرچه پرتوان تر شود.

ما به ضرورت مشارکت کارگران و زحمتکشان در پیکار با استبداد و برای آزادی های سیاسی و شهروندی تاکید داریم و آن را حیاتی و همچون اکسیژن برای زنده ماندن و پیشروی جنبش کارگری تلقی می کنیم؛ اما از طرف دیگر معتقدیم که مبارزه کارساز و قطعی با استبداد - و نه فقط با استبداد دینی بلکه با هر استبدادی - و کسب آزادی، بدون قوام گرفتن

مبارزه طبقاتی کارگران، بدون به میدان آمدن مزد و حقوق بگیران و جنبش های اجتماعی با مطالبات معیشتی و رفاهی و با خواسته های رادیکال آزادی خواهانه و برابری طلبانه شان امکان ناپذیر است. به این دلیل ما در پی آن هستیم که مبارزه با استبداد و برای آزادی با مداخله فعال طبقه کارگر و زحمتکشان و نیروهای مزد و حقوق بگیر و در متن مبارزه طبقاتی شان انجام بگیرد و آن ها پرچمدار این مبارزه بشوند.

چنین پاسخی به رابطه مبارزه با استبداد و مبارزه طبقاتی، تکلیف بسیاری از سئوالات دیگر را روشن می کند. از جمله این سؤال که رابطه مبارزه برای سرنگونی با مبارزه برای آلترناتیو یا دولت جایگزین چیست؟

آیا ما می خواهیم که استبداد سرنگون بشود و آلترناتیو سوسیالیستی جایش را بگیرد؛ یا این که می گوئیم نه، فعلاً برای طبقه کارگر زود است؛ فعلاً آمادگی ندارد؛ اول باید یک حکومت بورژوازی قابل تحمل تر بیاید، مقداری گشایش ایجاد کند تا بعد نوبت به طبقه کارگر برسد؟

خیلی ها هستند که اسم خودشان را چپ یا حتی سوسیالیست می گذارند ولی معتقد اند که مبارزه برای آلترناتیو سوسیالیستی توهم و خیالپردازی است. ما را حواله می دهند به این که ببینید وضع کارگران چقدر خراب است، چقدر درگیر نان شب اند، چقدر پراکنده اند، تشکل ندارند، وحدت ندارند. شما چطور می توانید تصور کنید که با طبقه کارگری در این موقعیت بشود آلترناتیو سوسیالیستی در برابر این رژیم درست کرد؟

ما معتقدیم که مبارزه برای سرنگونی و مبارزه برای جایگزینی پشت و روی یک سکه اند. آن ها را نمی شود از یکدیگر جدا کرد. همه فراکسیون های بورژوازی که با همدیگر رقیب هستند، در مبارزه با حکومت، آشکارا دارند آلترناتیو خودشان را مطرح می کنند، پلانفرم و برنامه می دهند و حول آن پارگیری می کنند. آن ها یک لحظه هم این را کتمان نمی کنند که درگیری شان با حکومت - چه به شکل اصلاحات و چه سرنگونی - فقط برای این است که آلترناتیو خودشان را سازمان بدهند. در این میان گویا فقط برای طبقات کارگر و زحمتکش زود است که در حین مبارزه با استبداد، به آلترناتیو خودشان بیاندیشند و برای آن تدارک ببینند! آن ها فقط باید برای به زیر کشیدن این حکومت مایه بگذارند، جانفشانی کنند اما اگر بخواهند برای جایگزینی حکومتی که به زیر می کشند آماده بشوند، گفته می شود برای شما زود است؛ شما ضعیف هستید، تشکل ندارید، عقب مانده هستید و غیره.

یک تناقض واقعی و عملی وجود دارد بین این که ما همه ضعف های طبقه کارگر را در وضعیت حاضر شاهدیم و انکارشان نمی کنیم، اما با وجود این استراتژی مان در برابر جمهوری اسلامی را آلترناتیو سوسیالیستی - یعنی خودحکومتی اکثریت مزد و حقوق بگیر - تعیین می کنیم. این تناقض را در ذهن ما می دانند و ما را متهم می کنند که لاهوتی هستیم و واقعیت ها را نمی بینیم. اما این تناقض در عینیت و در وضعیت است. ما این تناقض را چطور پاسخ می دهیم؟

من بلافاصله سئوالی را در برابر این منتقدین می گذارم. می گویم فرض کنیم که شما درست می گوئید؛ اما سوال من از شما این است: پس چه باید کرد؟

آن ها ناگزیر اند و هیچ راه دیگری ندارند بجز این که بگویند فعلاً باید برای یک آلترناتیو بورژوائی مبارزه کنیم. خیلی از این هائی که اسم خودشان را چپ یا حتی سوسیالیست می گذارند - بویژه چپ های خلقی - شرم یا ترس دارند از این که این پاسخ را به صراحت بدهند. شهامت اش را ندارند. اما پاسخ دیگری نمی توانند به این سوال بدهند بجز این که چون طبقه کارگر ضعیف است، وظیفه ما تقویت بورژوازی و کمک به به قدرت رسیدن آن است. اسم چنین کسی را نمی شود سوسیالیست گذاشت. اگر ما بخواهیم برای ساختن آلترناتیو بورژوائی ناوه کشتی کنیم، سوسیالیست نیستیم. طبقه ما هرچقدر هم ضعیف باشد، وظیفه ما هرگز ساختن آلترناتیو بورژوائی یا مشارکت در معماری آن نیست. معنای این که ما سوسیالیستیم اساساً این است که ما همیشه و در هر شرائطی و از جمله در برابر جمهوری اسلامی برای آلترناتیو سوسیالیستی مبارزه می کنیم. یعنی نمی خواهیم هیچ نوع حکومت بورژوائی از جمله نوع باصطلاح دموکراتیک اش روی کار بیاید. ماهمزمان با مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی با شکل گیری هر آلترناتیو بورژوائی بجای آن هم مبارزه می کنیم. ممکن است زورمان نرسد؛ این بحث دیگریست. این را موازنه قوا تعیین خواهد کرد. ولی ما نمی گوئیم چون ضعیفیم پس برویم ناوه کش یک آلترناتیو بورژوائی بشویم. اگر ضعیفیم - که هستیم - و اگر موازنه قوا به سود ما نیست - که فعلاً نیست - وظیفه ما تقویت خودمان و تغییر توازن قوا بسود طبقه مان در جریان مبارزه با استبداد است و نه تقویت بورژوازی به بهانه وجود استبداد. این که موفق می شویم یا نمی شویم که آلترناتیومان را در برابر جمهوری اسلامی قرار بدهیم، به خیلی عوامل وابسته است که اولی مبارزه مان در این راه است. ما هیچوقت نمی توانیم راهمان را بر اساس این که تا چه اندازه شانس موفقیت داریم انتخاب کنیم. ما راهمان را انتخاب می کنیم و در آن راه مبارزه می کنیم؛ و یکی از شرائط موفقیت در این راه این است که اصلاً این راه را انتخاب کنیم!

به این دلیل است که ما تأکید داریم که در مبارزه با استبداد ما باید فقط روی نیروی اجتماعی خودمان تکیه کنیم.

اما اینجا به ما می گویند که طبقه کارگر در مبارزه با استبداد و برای دموکراسی تنها نیست. گوئی که ما می خواهیم طبقه کارگر به تنهایی و بدون در نظر گرفتن دیگر نیروهائی که علیه استبداد و در آزادی های سیاسی و شهروندی ذی نفع هستند حرکت کند! نه ما چنین فکری نداریم. ما خواهان همکاری طبقه کارگر با دیگر نیروهای مخالف استبداد و آزادی خواه در امر سرنگونی رژیم هستیم. اما مسئله ای که ما در برابر خودمان می گذاریم این است که: نیروی اصلی سرنگونی کدام است؟

طرفداران سرنگونی جواب های مختلفی به سئوال دارند. یکی ممکن است بگوید ارتش رهائی بخش من است. یکی دیگر ممکن است بگوید حزب من قدرت را به دست می گیرد و بعد

به توده های کارگر تفویض می کند. یکی فکر می کند آمریکا باید بیاید کلک رژیم را بکند. پاسخ ما چیست؟

از چپ ها یک دسته هستند (چپ های داخل گیومه) که معتقد اند که چون مبارزه با استبداد یک مبارزه همگانی و فرا طبقاتی است پس همه با هم (نه آن همه با همی که خمینی می گفت، بلکه همه نیروهای دموکرات با هم) باید جمع بشویم اول استبداد را بیاندازیم تا بعد ...

ما معتقدیم که این جنبش های اجتماعی و در مرکزشان جنبش کارگری که الان در میدان مبارزه و بسیار فعال اند و پتانسیل فوق العاده عظیمی دارند، باید بعنوان نیروی اصلی سرنگونی در نظر گرفته شوند و به حاشیه مبارزات روشنفکران با استبداد رانده نشوند. ما قبول داریم که سرنگونی جمهوری اسلامی باید از طریق وحدت جنبش های سیاسی و جنبش های اجتماعی صورت بگیرد، اما ما بعنوان طرفداران سوسیالیسم باید بدانیم نیروی ما کدام است و در کجا ایستاده ایم. درست است که دانشجویان و روشنفکران حالا در صف مقدم مبارزه با استبداد هستند؛ درست است که نویسندگان و وکلا و روزنامه نگاران و هنرمندان هم دارند با استبداد مبارزه می کنند و ما آنان را نادیده نمی گیریم و به مبارزات شان اهمیت می دهیم، اما نیروی ما کدام است؟ سئوال را به این شکل مطرح می کنم: در امر سرنگونی، کار باکی؟ همکاری با کی؟

پاسخ صریح ما این است که نیروی ما کارگران و زحمتکشان و نیروهای هم سرنوشت با آن هاست و ما باید به این نیرو تکیه کنیم. این نیرو هم تنها نیست. به غیر از جنبش کارگری جنبش های اجتماعی دیگر مثل جنبش زنان، ملیت ها، جوانان، محیط زیست و غیره را داریم که گرایشات دموکراتیک و نیز ضد نئولیبرالیسم اقتصادی درون این جنبش ها نزدیک ترین متحد جنبش کارگری به حساب می آیند. مبارزه با نئولیبرالیسم اقتصادی که بختک اش ایران را هم مثل همه جای دنیا گرفته، حلقه اتصال این جنبش ها با جنبش کارگری است. ما خواهان آن هستیم که این نیروها بر پایه مبارزه برای دموکراسی و علیه سیاست های نئولیبرالی با هم متحد بشوند. استراتژی ما سوسیالیست ها در برابر جمهوری اسلامی نباید ایجاد بلوک با بورژوازی " دموکرات " بلکه باید ایجاد بلوکی از گرایشات دموکراتیک و ضد نئولیبرالی جنبش های اجتماعی حول قطب آزادی خواه، برابری طلب و ضد سرمایه داری مزد و حقوق بگیران باشد. اگر مسأله مهم استراتژی در برابر جمهوری اسلامی و برای تعیین تکلیف با حال و آیند آن، مسأله گردآوری نیروست و هر جریانی به نوعی به این استراتژی پاسخ می دهد، استراتژی ما گردآوری چنین بلوکی است و نه بلوک مثلاً نیروهای جمهوری خواه و لائیک - چرا که مسأله ما فقط استبداد یا استبداد دینی نیست.

تاکتیک های ما هم طبعاً باید در خدمت شکل گیری چنین نیروئی باشند و نه در جهت تقویت بلوک با بورژوازی باصطلاح دموکرات در برابر رژیم به قیمت این که بلوک استراتژیک ما برای سرنگونی و جایگزینی در برابر بلوک بورژوازی و جمهوری اسلامی تضعیف بشود.

پس ما معتقد نیستیم که طبقه کارگر در مبارزه با استبداد تنهاست یا به تنهایی و بدون همکاری با دیگر نیروهای ضد

روشنفکران تشویق کرد. ولی اگر در همین حد بمانیم، معنایش این می شود که آن تقسیم کار اجتماعی برای دو عرصه مبارزه برای آزادی و مبارزه برای نان را به رسمیت شناخته ایم و در اینصورت، شعارهای «کارگر، دانشجو، اتحاد!» و «دانشجو، کارگر، پیوندتان مبارک!» به شعارهای پوپولیستی تبدیل می شوند.

ما ضمن این که به پیوند مبارزاتی بخش های مختلف اجتماعی بسیار اهمیت می دهیم ولی اساس شکاف میان مبارزه برای آزادی و مبارزه برای نان را در عدم پیوند میان دانشجو و کارگر نمی بینیم بلکه این شکاف، در درون خود جنبش کارگری است. این شکاف از آنجاست که مبارزات کارگران و زحمتکشان فعلاً عمدتاً در سطح صنفی و معیشتی است و هنوز به سطح سیاسی فرا نرفته است. از این کمبود درونی در جنبش مزد و حقوق بگیران است که عملاً مبارزه سیاسی و برای آزادی به روشنفکران منحصر شده است. ما راه حل این شکاف را صرفاً در پیوند دانشجو و کارگر نمی بینیم بلکه در این می بینیم که مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران با هم پیوند بخورد. راه حل را در این می بینیم که مبارزه علیه استبداد، مبارزه برای آزادی های سیاسی و شهروندی، درونی مبارزات خود جنبش کارگری بشود. این یکی از ضعف های بزرگی است که جنبش کارگری فعلاً با آن روبه رو است.

لزوم و اهمیت اتصال جنبش کارگری با جنبش آزادی خواهانه افشار دیگر در این است که یک جنبش یکپارچه در مقیاس ملی را علیه جمهوری اسلامی بسیج می کند و امکان محاصره رژیم در تمامی سطوح را فراهم می کند. ولی از میان رفتن شکاف میان جنبش نان و جنبش آزادی از طریق ارتقاء مبارزات اقتصادی مزد و حقوق بگیران به سطح مطالبات سیاسی ممکن شدنی است. درست است که فعلاً جنبش کارگری و روشنفکری است که پیشگام مبارزه برای آزادی است، اما خط ما این است که خود جنبش کارگری باید در صف مقدم این مبارزه قرار بگیرد و پرچمدار مبارزه با استبداد و برای آزادی بشود.

استبداد و طالب آزادی باید عمل کند. ما همکاری با نیروهای دیگر را به لحاظ اصولی رد نمی کنیم؛ منتها قضیه را بهیچوجه اینطور نمی بینیم که گویا یک تکلیف و فریضه دموکراتیک است که حتماً با این نیروها ائتلاف یا همکاری کنیم. باید ببینیم چرا باید همکاری کرد؛ با کدام نیرو و تحت چه شرایطی؟ همکاری های ما با دیگر نیروها باید در خدمت تقویت نیروهای استراتژیک مان باشد. اگر آن را تضعیف کند، همکاری موضوعیت ندارد - هرچند هم که ظاهر دموکراتیک داشته باشد و تقویت اردوی دموکراسی در برابر رژیم به نظر بیاید. پس ما ضرورت همکاری و ائتلاف را فقط از وجود استبداد در نمی آوریم و ضرورت آن را با نیازهای جنبش طبقاتی خودمان می سنجم.

در ارتباط با مسأله سرنگونی و رابطه مبارزه برای دموکراسی و مبارزه برای سوسیالیسم، موضوع دیگری هم هست که ما از سال ها پیش بر آن انگشت گذاشته و آن را بصورت سمبولیک جدائی میان مبارزه برای آزادی و مبارزه برای نان نامیده ایم.

یکی از دلایل عمده ای که این رژیم علی رغم شکنندگی اش هنوز بر سرپاست و یکی از دلایلی که مبارزه علیه آن قوام نمی گیرد این است که بین مبارزه برای آزادی و مبارزه برای نان شکاف هست. یک مبارزه ضد استبدادی و برای دموکراسی وجود دارد که بخش های معینی از جامعه آن را به پیش می برند؛ و یک مبارزه برای نان و معیشت و مطالبات رفاهی وجود دارد که خیلی در پی مبارزه برای آزادی نیست و بخش های دیگری از جامعه آن را به پیش می برند. سال هاست عملاً نوعی "تقسیم کار اجتماعی" برای مبارزه در این دو عرصه به وجود آمده است. گوئی این وظیفه دانشجویان و مطبوعاتیان و روشنفکران است که در گیر مبارزه سیاسی باشند و با استبداد و برای دموکراسی مبارزه کنند؛ و سهم کارگران و زحمتکشان هم این است که فقط برای خواسته های معیشتی مبارزه کنند و مداخله در مبارزه سیاسی در برابر استبداد کار آن ها نیست!

نسبت به این شکاف میان مبارزه برای نان و مبارزه برای آزادی، دو برداشت و دو راه حل دیده می شود. یک برداشت این است که این شکاف از عدم پیوند روشنفکرانی که برای آزادی مبارزه می کنند با کارگرانی که برای نان مبارزه می کنند ناشی شده است. راه حلی که ارائه می شود این است که دانشجویان را تشویق کنیم که با کارگران اعلام همبستگی کنند؛ بروند با آن ها در محلات و کارخانه ها تماس بگیرند؛ و متقابلاً کارگران هم از مبارزات دانشجویان حمایت کنند؛ برای همدیگر به خیابان بیاند. یعنی گویا با اتصال این دو بخش اجتماعی به یکدیگر، معضل شکاف میان مبارزه برای نان و مبارزه برای آزادی حل می شود. این یک درک پوپولیستی از شکاف یاد شده و یک راه حل پوپولیستی برای آن است.

باید تأکید کنم که چنین ارتباط و اتصالی بسیار ضروری است و باید برایش تلاش کرد. باید دانشجویان را به اتصال به جنبش کارگری و حمایت از جنبش کارگران کارخانه ها، پرستاران، معلمان و غیره؛ و متقابلاً این ها را هم به همبستگی با جنبش مترقی و دموکراتیک دانشجویان و

رادیو صدای کارگران ایران



رادیو مستقل کارگران، صدای کارگران

صدای کارگران رابه روی شبکه اینترنیت جهانی به
آدرس <http://www.sedayekargaran.com>

لینکس - سیستم کامپیوتری انتخابی جنبش جهانی ضد سرمایه داری

به راستی کدامیک از سیستم های عامل عنوان پر افتخارترین (بیشترین) باگها و اشکالات امنیتی را داراست؟ اگر نگاهی به عناوین خبری دنیای کامپیوتر داشته باشیم، به وضوح آشکار میشود که این عنوان فقط برارنده ویندوز است. هر هفته با اعلامیه جدیدی در مورد یک وصله امنیتی جدید برای ویندوز مواجه میشویم. بهترین لغتی که برای توصیف تعدد بولتن های امنیتی مایکروسافت به ذهن خطور میکند، لغت رنگار است. شاید این خوشحال کننده باشد که لینوکس از این نظر خیلی دورتر از ویندوز قرار دارد... (زهراحب)

اساسنامه گروه کاربران گنو/لینوکس ایران (Users Linux Group of Iran = LUGIR)

۱. اهداف LUGIRها در سرتاسر جهان با توجه به موقعیت جغرافیایی و وضعیت فرهنگی آنها متفاوت است. هیچ اصول کلی برای برنامه ها و اهداف یک LUG (بخوانید لاگ) وجود ندارد، چون گنو/لینوکس و نرم افزار آزاد از بوروکراسی و تمرکز گرایی آزاد است. با توجه به این موضوع، اهداف LUGIR به شرح زیر اعلام می گردد:

۱.۱. فرهنگ سازی و دفاع

۲.۱. آموزش گنو/لینوکس

۳.۱. پشتیبانی از کاربران گنو/لینوکس

۴.۱. کمک به توسعه (برنامه نویسی) نرم افزارهای آزاد

۱.۱. فرهنگ سازی و دفاع

هنگامی که چیزی را پیدا می کنید که بخوبی کار می کند، سعی دارید تا افراد زیادی را از این امر مطلع سازید. نقش بسیار مهمی که LUGIRها در فرهنگ سازی و دفاع از گنو/لینوکس ایفا کرده اند را نمی توان انکار کرد. از آنجایی که فرهنگ صحیح استفاده از یک فناوری می تواند مهمتر از خود آن فناوری باشد، LUGIR نخستین و مهمترین هدف خود را بر فرهنگ سازی جهت استفاده صحیح از گنو/لینوکس و نرم افزارهای آزاد بنا می نهد. همچنین LUGIR وظیفه خود میدانند تا در مقابل اظهار نظرات، مقالات، نوشته ها و ایده های غلط درباره گنو/لینوکس و نرم افزارهای آزاد عکس العمل مناسب و منطقی نشان دهد.

۲.۱. آموزش گنو/لینوکس

در قدم دوم، LUGIR به منظور ایجاد یک نقطه اتکاء برای کاربران، سعی خواهد کرد تا با انتشار مقالات، بررسی ها، راهنماهای نصب و پیکربندی گنو/لینوکس و نرم افزارهای کاربردی آزاد، نکات آموزشی و ... از طریق سایت های مورد تایید خود، برگزاری گردهمایی های پرسش و پاسخ، جشنواره های نصب و پیکربندی، کنفرانس های آموزشی و ... به ارتقاء سطح آموزش کاربران کمک نماید تا بدین وسیله امکان گسترش استفاده از این سیستم عامل را فراهم سازد.

۳.۱. پشتیبانی از کاربران گنو/لینوکس

LUGIR وظیفه خود میدانند تا علاوه بر انتشار مطالب آموزشی، به منظور تکمیل آموزش، از طریق لیستهای پستی یا انجمنهای بحث و تبادل نظر سایتهای مورد تایید خود، کاربران را راهنمایی کرده و اشکالات آنها را در حد توان برطرف نماید. LUGIR هیچ مسئولیتی در قبال نتیجه این راهنمایی ها نمی پذیرد.

۴.۱. کمک به توسعه (برنامه نویسی) نرم افزارهای آزاد

LUGIR وظیفه خود می داند از طریق نوشتن کدهای برنامه،

آزمایش و گزارش اشکال، دادن پیشنهاد، برگزاری کارگاههای آموزشی و تعریف پروژههای نرم افزار آزاد به روند توسعه این نرم افزارها کمک نماید.

۲. فعالیت ها

فعالیت های LUGIRها در جهان عمدتاً بر گردهمایی های فیزیکی و ارتباطات اینترنتی متمرکز است.

۱.۲. ملاقات ها

همانطور که در بالا نیز اشاره شد، یکی از مهمترین فعالیت های LUGIR گردهمایی های فیزیکی به قرار زیر خواهد بود:

۱.۱.۲. گردهمایی های اجتماعی و دوستانه

۲.۱.۲. نمایش های فنی (مانند جلسات نمایش اسلایدهای فنی)

۳.۱.۲. همایش های معرفی گنو/لینوکس و نرم افزارهای آزاد

۴.۱.۲. جشنواره های نصب و پیکربندی گنو/لینوکس

۲.۲. ارتباطات تحت وب

گروه LUGIR علاوه بر گردهمایی های فیزیکی، عمده فعالیت های خود را بر روی منابع Online مانند سایت های وب، لیستهای پستی، Wikiها، انجمنهای بحث و گفتگو و ... بنا خواهد نهاد. اینترنت مهمترین ابزار ارتباطات گروه خواهد بود.

۳. هیئت اداره کننده LUGIR

دارای یک هیئت اداره کننده خواهد بود که وظایف زیر را بر عهده خواهد داشت:

۱.۳. تهیه پیش نویس برای تصویب نامه ها

۲.۳. برنامه ریزی جهت برگزاری گردهمایی ها، همایشها و جشنواره های نصب و پیکربندی

۳.۳. اداره سایت وب LUGIR و لیستهای پستی وابسته و آدرسهای پست الکترونیکی

۴.۳. تهیه پیش نویس پاسخ نامه های رسمی

۵.۳. ایجاد اصلاحات در اساسنامه و تصویب مجدد آن با استفاده از آراء اعضا

۶.۳. تصویب پذیرش/عدم پذیرش سایت های وب به عنوان سایت های وب مورد تایید LUGIR

۳.۳. اداره صندوق مالی گروه.

۸.۳. ارتباط با سایر LUGIRهای فعال در کشورهای مختلف و تجزیه و تحلیل اقدامات آنها

هیئت اداره کننده شامل افراد زیر خواهد بود:

- ۵ نفر هیئت رئیسه (اتخاذ تصمیمات / برنامه ریزی برای امور)

که یک نفر بعنوان سخنگوی گروه از میان آنها انتخاب خواهد شد.

- دبیر (تهیه کننده/ ویراستار ادبی متون)

- صندوق دار

هیئت اداره کننده هر ۱۲ ماه یکبار و از میان افراد داوطلب طی انتخابات Online انتخاب خواهند شد. ارتباطات بین هیئت اداره کننده از طریق لیست پستی مخصوصی صورت خواهد پذیرفت.

تصمیمات مهم با توجه به صلاحدید هیئت اداره کننده به رای گیری اعضا گذاشته خواهد شد. هر ۶ ماه یکبار هیئت موظف است تا وضعیت استفاده از صندوق و اقدامات انجام شده را بصورت یک گزارش در سایت مربوطه برای اطلاع اعضا قرار دهد.

۴. سایت های مورد تایید

کلیه سایت های دخیل در امر آموزش و فرهنگ سازی گنو/لینوکس می توانند جزء سایت های مورد تایید LUGIR قرار گیرند. هیئت رئیسه، مرجع تصمیم گیرنده درباره پذیرش/عدم پذیرش این وب سایت ها است. در صورت عدم رعایت هر یک از موارد زیر توسط سایت های مذکور در هر زمان، هیئت رئیسه، نسبت به حذف آن سایت از لیست سایت های مورد تایید اقدام خواهد کرد :

اخبار کارگری

رادیو صدای کارگران ایران

- به گزارش سایت آشوب

بسیاری از رانندگان شرکت واحد به فراخوان اعتراضی سندیکای این شرکت مبنی بر دریافت بلیط پاسخ مثبت دادند. در این گزارش آمده است که پیرو درخواست سندیکای کارگران شرکت واحد مبنی بر دریافت نکردن بلیط از سوی رانندگان، از روز 25 مهرماه رانندگان از دریافت بلیط خودداری نموده و خواسته ها خود را به گوش مردم رساندند. اگرچه تمامی رانندگان در این حرکت اعتراضی شرکت نداشتند، اما تعداد بسیاری از رانندگان و بویژه اعضای سندیکا از دریافت بلیط خودداری کردند. شنیده شده است که تعدادی از رانندگان تهدید به اخراج شده اند، اما بر اساس اعلام سندیکا قرار است این حرکت در روزهای آینده نیز ادامه یابد. خواسته های رانندگان، اختصاص کمک راننده به اتوبوس ها و همچنین پرداخت بدهی های معوق رانندگان بر اساس پیمان نامه های دستجمعی است.

همچنین سند تبلیغاتی و اطلاع رسانی سندیکای شرکت واحد با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که با تن دادن کارفرما به بازگشت به کار کارگران اخراجی و پرداخت حقوق معوقه به آنها این سندیکا تصمیم گرفته است که به حرکت اعتراضی خویش موقتا پایان دهد. از جمله در جلسات بین نمایندگان سندیکا و مدیر عامل شرکت پیشنهاد انحلال شورای اسلامی کار داده شده است. رادیو صدای کارگران این پیروزی را به همه کارگران شرکت واحد تبریک میگوید.

- کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری در گزارش سالیانه خود از ایران به عنوان یکی از خطرناکترین کشورهای جهان برای اتحادیه های کارگری نام برده است. این کنفدراسیون ایران را از لحاظ میزان امنیت اتحادیه های کارگری در ردیف کشورهای کلمبیا، بلاروس، برمه، کامبوج، چین، دومینیک، هائیتی، نیجریه، فیلیپین، ترکیه، ونزوئلا و زیمبابوه قرار داده و فعالیت در اتحادیه های کارگری را در این کشورها خطرناک دانسته است. یکی از مهمترین انتقادهایی که به سیاستهای دولت جمهوری اسلامی در قبال اتحادیه های کارگری وارد می شود این است که تشکلهای صنفی در ایران اغلب به نحوی به حکومت وابسته اند و سندیکاهای و اتحادیه های کارگری حتی اگر در قوانین به رسمیت شناخته شده باشند، عملاً امکان فعالیت مستقل ندارند. گزارش کنفدراسیون در مورد ایران حاکی از قتل چهار نفر به دست پلیس و بازداشت دهها نفر و همچنین مواردی از هجوم خانگی و شکنجه در ارتباط با تظاهرات کارگری با انگیزه های صنفی است. در این گزارش از محمود صالحی به عنوان یکی از سران اتحادیه های کارگری در ایران نام برده شده که چند بار مورد ارباب مسئولان قرار گرفته و همراه با شش تن دیگر از فعالان کارگری متهم به

همکاری با گروههای چپگرایی شده که در ایران غیرقانونی شناخته شده اند.

به گزارش خبرگزاری مهر:

- بانک جهانی پیش بینی کرد ایران طی پنج سال آینده با شدیدترین فشار اشتغالزایی مواجه شود و با توجه به ترکیب جمعیتی ایران، نرخ بیکاری در آن به بالاترین سطح خود برسد. بر اساس این گزارش، نرخ بیکاری در ایران در حال حاضر 13.8 درصد است، اما پیش بینی می شود این رقم تا سال 2010 به بالاترین سطح خود برسد. این گزارش حاکی است، بانک جهانی معتقد است با توجه به اینکه میانگین سنی جمعیت ایران هم اکنون زیر 21 سال است، طی

۱.۴ رعایت اصول و قوانین مربوط به آزادی نرم افزار و گنو

۲.۴ رعایت حقوق معنوی به هر شکل

۳.۴ استفاده از نرم افزارهای آزاد و بازمتن در نگهداری و

توسعه وب سایت و نرم افزار آن

۴.۴ استفاده از گنو/لینوکس و یا سایر سیستم عامل های آزاد جهت میزبانی سایت وب

۵.۴ اضافه کردن بزر و آدرس سایت <http://www.lugir.org>

به منظور گسترش امکان دسترسی و آشنایی افراد با این گروه

هدف از این کار، هدایت کاربران رجوع کننده به LUGIR به سوی منابع صحیح و مورد تایید آموزشی و فرهنگی می باشد.

۵. منابع مالی

منابع مالی LUGIR عمدتاً از طریق کمکهای (Donation) دریافت شده از طرف افراد و موسسات حامی تامین خواهد شد. همچنین کمکهایی جزئی نیز از اعضاء بطور داوطلبانه در جلسات و گردهماییها در صورت نیاز جمع آوری خواهد شد.

۶. عضویت در گروه LUGIR

این گروه سه نوع عضو خواهد داشت:

الف. **اعضای رسمی:** متقاضیان عضویت رسمی باید به گنو/لینوکس، نرم افزارهای آزاد و باز متن باور داشته و این باور را با یاری به جامعه نرم افزارهای آزاد و بازمتن نشان دهند. متقاضیان عضویت می توانند درخواست خود را به آدرس membership@lugir.org ارسال نمایند تا به درخواست آنها برای عضویت رسیدگی شود. عضویت رسمی متقاضیان با تصویب هیئت اداره کننده امکان پذیر خواهد بود. شرایطی که در تصویب عضویت افراد تاثیر خواهد داشت عبارتند از:

الف ۱-: فعالیت در سایت های مورد تایید LUGIR به هر صورت از قبیل ارسال اخبار، فعالیت در انجمن ها، نوشتن مقاله و ...

الف ۲-: شرکت فعالانه در گردهماییها، همایشها و نشست های

گروه LUGIR

ب. **اعضای عادی:** هر شخصی که در لیست پستی و سایت لاگ

عضو شده باشد.

ج. **اعضای تجاری:** اعضایی که به لاگ کمک مالی میکنند و یا با این گروه به نوعی کار تجاری انجام میدهند. این اعضا از کمک های فنی لاگ بهره مند خواهند شد اما در اداره ای لاگ نقشی نخواهند داشت.

تبصره ۱: بدلیل عدم وجود هیئت اداره کننده در نخستین انتخابات، کلیه کسانی که تا تاریخ انجام انتخابات نخستین عضو لیست پستی ILUG باشند، عضو رسمی محسوب خواهند شد.

تبصره ۲: هیئت اداره کننده می تواند در صورت توهین و عدم اعتقاد اعضای رسمی به مبانی و مفاهیم نرم افزارهای آزاد و بازمتن، عدم رعایت احترام و اخلاقیات در لیست های پستی و انجمن های سایت، برپاسازی war Flame بر علیه نرم افزارهای آزاد و بازمتن، عضویت رسمی/عادی/تجاری آنها را لغو نمایند.

تبصره ۳: اعضای رسمی و تجاری که با تایید هیئت اداره کننده به

عضویت لاگ در می آیند و می توانند در رای گیری های LUGIR شرکت نمایند. اعضای عادی حق رای نخواهند داشت.

همواره می توانید جدیدترین نسخه این سند را از آدرس زیر دریافت نمایید: <http://www.lugir.org/docs/LUGIR-ORG.sxw>

پرسش های خود را در رابطه با اساسنامه می توانید به آدرس constitution@lugir.org ارسال نمایید.

پنج سال آینده ایران با شدیدترین فشار برای اشتغالزایی مواجه خواهد بود.

بنابر پیش بینی بانک جهانی نرخ بیکاری در ایران تا سال 2010 به حدود 23 درصد خواهد رسید، که بالاترین میزان بیکاری طی چندین سال اخیر خواهد بود.

به گزارش سایت شورا:

- کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری فراخوان تشکیل مجمع عمومی چهارم این کمیته را به شرح زیر به اطلاع عموم رساند.

نظر به اینکه مجمع عمومی چهارم کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری که از تاریخ 1384/3/13 نا تمام مانده است بمنظور استمرار کار کمیته، ما اعضای کمیته پیگیری امضا کننده زیر خواهان برگزاری مجمع عمومی چهارم میباشیم.

همین سایت با انتشار اطلاعیه دیگری از طرف کمیته پیگیری اعلام کرد که:

مجمع عمومی چهارم کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری برگزار شد. در این اطلاعیه آمده است که بدنیاال فرخوان کمیته که از طرف گروهی از اعضا و نماینده های کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری تنظیم و به امضا 45 نفر از اعضا این کمیته رسید، مجمع عمومی چهارم این کمیته در مورخه 22 /7/ 1384 با شرکت 47 نفر از فعالین و کارگران برخی مراکز تولیدی برگزار شد.

همچنین هیئت تدوین پیش نویس اساسنامه کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرده است که مجمع عمومی چهارم کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری تصمیم به تدوین اساسنامه گرفته است لذا از کلیه اعضا و دوستداران ادامه کار کمیته پیگیری درخواست میشود نظرات پیشنهادی خود را کتبا به هیئت تدوین پیش نویس اساسنامه ارائه نمایند. مهلت ارسال نظرات پیشنهادی تا تاریخ 84/8/2 میباشند.

لازم به توضیح است که برهان دیوارگر از فعالین کمیته پیگیری با انتشار اطلاعیه ای به نحوه برگزاری مجمع عمومی اعتراض کرده است.

- به گزارش کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، روز دوشنبه 25 مهر ماه مراسم یادبود کارگران جان باخته معدن باب نیزو با شرکت تعدادی از فعالین کارگری در تالار گل سرخ تهران برگزار شد. در این مراسم از جمله بهروز خباز، محسن حکیمی و منصور اصائلو صحبت کرده و با اعضای خانواده های کارگران جانباخته ابراز همدردی کردند.

به گزارش پیک ایران:

- بهیاران و بهورزان مراکز بهداشتی وابسته به شبکه بهداشت شهرستان بابل، دست از کار کشیدند و در مقابل شبکه بهداشت بابل تجمع اعتراضی بر پا کردند. اجتماع کنندگان ضمن حمل پلاکاردهای دست نویس و سر دادن شعار نسبت به پرداخت نشدن 6 ماه حقوق و مزایای خود اعتراض کردند و از مسئولان دانشگاه علوم پزشکی بابل خواستند نسبت به این فشر توجه بیشتری نشان دهند.

- در پی مراسم 13 مهرماه مصادف با 5 اکتبر روز جهانی معلم در محوطه سازمان آموزش و پرورش استان کردستان، 250 نفر از معلمان شهر سنندج از آقای پیمان نودینیان (دبیر انجمن معلمان و فعال کانون دفاع از حقوق کودکان در کردستان) اعلام حمایت نموده و در پشتیبانی از فعالیتهای صنفی ایشان طوماری را امضا نموده اند. لازم به ذکر است معلمان اعلام داشتند که تلاش کمیسیون ماده 10 احزاب کشور در جهت الغای مجوز انجمن معلمان محکوم کرده خواستار صدور پروانه از آن نهاد شده اند.

- آموزش پرورش ناحیه 1 سنندج با ابلاغ حکمی در تاریخ 84/7/6 خام شهنار رحمت الهی را از خدمت در این اداره برکنار نموده اند. لازم به توضیح است ایشان به مدت 7 سال در بدترین و محروم ترین نقاط استان کردستان مشغول به تدریس بوده اند و درست سه روز قبل از رسمی شدن از کار برکنار شده اند و با تقاضای کتبی ایشان از انجمن صنفی معلمان استان کردستان این تشکل اقدام گسترده ای را برای جلوگیری از اجرای این حکم در دستور کار خود دارد.

به گزارش ایسنا:

- پرستاران بخش خصوصی زیر خط فقر قرار دارند. دبیرکل خانه پرستار با اشاره به این که مشکلات پرستاران در بخش خصوصی به مراتب بیشتر و پیچیدهتر از بخش دولتی است، گفت: پرستاران در بخش خصوصی زیر خط فقر زندگی میکنند. حداقل دریافت حقوق طبق قانون کار صد و بیست و شش هزار تومان است که بخش عمدهای از پرستاران در بخش خصوصی همین حداقل را دریافت میکنند و از گرفتن مزایای دیگر محروم هستند. پرستاران بخش خصوصی پایینترین دریافتی را در قانون کار داشته و حتی در طبقه بندی مشاغل جزو مشاغل سخت و زیان آور محسوب شده اند و از مزایایی چون کاهش ساعت کاری و بازنشستگی پیش از موعد بهره مند نیستند. پرستاران در بیمارستان های خصوصی امنیت شغلی ندارند و در اکثر بیمارستان های خصوصی به صورت قراردادهای موقت و شرکتی کار میکنند.

- جمعی از کارگران شرکت راهسازی شهید رجایی مجری طرح بزرگراه امام علی در رسالت به دلیل چهارماه حقوق معوقه در مقابل در دفتر شرکت تجمع کردند. مسوولان و صاحبان شرکت علت نپرداختن حقوق چهار ماهه کارگران را نبود حمایت مالی از سوی شهرداری منطقه 8 اعلام کردند.

به گزارش ایلنا:

- کارگران نساجی "پارس ایران" بیش از 14 ماه است حقوق نگرفته اند. کارگران این شرکت اعلام کردند چنانچه به خواسته هایشان توجه نشود، به جهت حق خواهی، در مقابل یکی از نهادها، وزارتخانه ها یا ادارات دولتی تهران تجمع خواهند کرد. کارگران شرکت نساجی "پارس ایران" اعلام کردند که بیش از 180 کارگر این شرکت تولیدی، حدود 14 ماه مطالبات قانونی خود را طلبکارند. کارگران معترض با اشاره به اینکه مدیریت شرکت چندین مرحله و امهائی کلانی از بانکها به سفارش مسوولین استانی دریافت کرده، اما حقوق کارگران را پرداخت نمی کند. بنابراین گزارش، صورتجلسه ای در تاریخ 84/2/7 با حضور مدیریت کارخانه و نماینده کارگران در استانداری گیلان در 5 بند تنظیم شده بود که با توجه به مبلغ تسهیلات پرداختی به کارخانه که بالغ بر 550 میلیون تومان است به هر یک از کارگران 10 میلیون ریال به صورت علی الحساب پرداخت گردد، همچنین کلیه مطالبات کارگران بازنشسته و قراردادی از وجود دریافتی پرداخت و همین 50 درصد سهم کارفرما، از بابت بازنشستگی بر اساس ماده 10 قانون نوسازی به سازمان تامین اجتماعی واریز گردد که این امر نیز تحقق نیافته است. شرکت نساجی پارس ایران از بزرگترین کارخانجات نساجی استان می باشد که بر اثر بارش برف سال گذشته، کلیه سالنهای تولیدی این شرکت فرو ریخت و تا کنون هیچگونه اقدامی جهت بازسازی آن صورت نگرفته است، این شرکت 180 پرسنل داشت که بر اساس ماده 10 قانون تسهیل نوسازی صنایع، اکثرا بازنشسته شدند و ما بقی نیز تحت پوشش بیمه بیکاری هستند. مطالبات کارگران این شرکت بالغ بر 5 میلیون تومان است که توسط کارفرما می بایست پرداخت گردد. - بیمانکار شرکت معدنی نگین در طیس به دلایل نامعلومی کارگران را ضرب و شتم و به آنان فحاشی نموده است. بیمانکار و مقاطعه

**گزارش کامل فعالیت های
کمپین کارگران ایران تنها نیستند**

قطعه نامه پایانی کمپین "کارگران ایران تنها نیستند" تشکلهای کارگری، فعالین کارگری، سازمان‌ها و احزاب چپ و سوسیالیست! حمایت کنندگان و پشتیبانان بین المللی! مدافعین کمپین دفاع از کارگران ایران - 11 سپتامبر تا هشتم اکتبر 2005

ما اینک کمپین "کارگران ایران تنها نیستند" را به یاری حمایت و پشتکار جمعی مان به پایان برده ایم! تهاجم سبعانه رژیم به تمامی عرصه‌های کار و معیشت کارگران برای استثمار بیشتر و تولید ارزش اضافی گسترده تر به نفع سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه، گسترش خصوصی سازیها و پیروی از سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، تعطیلی واحدهای صنعتی و تولیدی که حاصل آن بیکاری‌سازی‌های وسیع است که کارگران را به قعر فلاکت پرتاب می‌کند، پایان دادن به استخدام‌های پیمانی وموقت و جایگزین کردن آن با استخدام‌های رسمی، سرکوب مستمر دستاوردهای کارگری، تهاجم به اجتماعات کارگری وبه گلوله بستن کارگران (معدن خاتون آباد)، دستگیری فعالین کارگری (سقز کردستان) ... کشتن 25 نفر در کردستان در طول سه هفته حدود دو ماه پیش، اختناق فزاینده و شرایط معیشتی اسفناکی را به طبقه کارگر ایران تحمیل کرده است. عواقب اقتصادی و اجتماعی این سیاست‌ها گسترش بی‌سابقه فقر و سفره‌های خالی خانواده‌های کارگری و زحمتکش، رشد انفجار آمیز پدیده فحشاء، گسترش میلیونی کودکان خیابانی کار، افزایش بی‌سابقه اعتیاد و خودکشی در میان جوانان و بی‌آیندگی آن‌ها، تحمیل ستم چندگانه به ملیت‌های تحت ستم ایران وسایر بلایای اجتماعی است.

ما نیک می‌دانیم که قبل از هر چیز "راهی طبقه کارگر، تنها به دست خود طبقه کارگر میسر است". اما تردیدی نیست که طبقه کارگر ایران، به دلیل وجود سیستم ضدکارگری جمهوری اسلامی، مبارزه خود را برای ایجاد تشکل و دفاع از موجودیت خویش در شرایطی بسیار سختی در طی ۲۷ گذشته به پیش برده و می‌برد. از همین روما وظیفه خود می‌دانیم که با همه امکانات مان به عنوان بخشی از این طبقه، مبارزات طبقه کارگر ایران را تقویت کرده، از آن پشتیبانی کنیم و نشان دهیم که کارگران ایران در مبارزه خود برای رهایی از زرو و ستم و استثمار رژیم ضدکارگری و آزادی‌کش جمهوری اسلامی و واچیدن زنجیرهایشان، تنها نیستند.

بنابراین ما، کار پرثمر و تا حدی سراسری کمپین "کارگران ایران تنها نیستند!" را پایان یافته تلقی نکرده، بلکه آن را آغازی می‌دانیم برای پیگیری و حمایت هر چه وسیع‌تر در سطح شهرها و کشورهای مختلف، اما با کار پیگیر جمعی و شورایی از پایین به اشکال گوناگون برای پاسخگویی به خواسته‌های چند گانه زیر:

کار این واحد به اشکال مختلف کارگران را تحت فشار قرار می‌دهد و هیچ کس نیز حق اعتراض ندارد. این موضوع بارها به اطلاع مسوولان شرکت نگین، فرماندار و اداره کار طبس رسانده شده، اما تا به حال ترتیب اثری داده نشده است. پیمانکار واحد معدنی نگین، در تازه ترین اقدام، سه تن از کارگران غیر بومی شاغل در معدن را مامور کرده تا سه نفر از کارگران بومی را ضرب و شتم کنند، تا بلکه این کارگران محل کارشان را ترک کنند و چون به هدف خود دست پیدا نکرده، هر 6 کارگر را اخراج کرده که این کارگران به اداره کار طبس شکایت کرده اند، تا مراتب مورد پیگیری قرار گیرد.

یکی از عرصه های اعتراضی در این کارخانه اختلاف فاحش حقوق کارگری و کارمندی بوده است. در این شرکت کارگران 170 تا 200 هزار تومان و کارمندان 600 هزار تومان دریافت می‌کنند. اعتراضات کارگران شرکت "نساجی غرب" کرمانشاه، شدت گرفت. در پی بی توجهی اداره کل تامین اجتماعی استان کرمانشاه نسبت به اجرای رای اداره کل کار و امور اجتماعی و برقراری بیمه بیکاری کارگران اخراجی شرکت "نساجی غرب"، اعتراضات کارگران این شرکت بالا گرفته است. پس از گذشت چند ماه از صدور رای اداره کار مبنی بر برقراری بیمه بیکاری کارگران مازاد شرکت نساجی غرب، اداره کل تامین اجتماعی استان از پرداخت حق بیمه کارگران امتناع ورزیده و اعلام می‌دارد که ماده 9 قانون بازسازی و نوسازی صنایع، تنها تا پایان سال 83 قابلیت اجرایی داشته است. تجمعات اعتراض آمیز کارگران محروم شرکت نساجی غرب که هر کدام از آنها سابقه پرداخت 20 سال حق بیمه را دارند، هر روز در مقابل ادارات کل استان اعم از اداره کل صنایع و معادن تاسیس اجتماعی، کار و امور اجتماعی و همچنین خانه کارگر ادامه داشته و کارگران خواهان برقراری بیمه بیکاری خود هستند.

- معدن 100 میلیارد تومانی "فاریاب" به مفت فروخته شد. بنا به گفته نماینده میناب، رودان و جاسک در مجلس شورای اسلامی، آمار کارگران شاغل در این واحد معدنی از 2 هزار نفر به 200 نفر کاهش یافته است، با این وجود، مدیریت هنوز هم توان ساماندهی و پرداخت حقوق کارگران را ندارد. وی، ارزش معادن فاریاب را بالغ بر 100 میلیارد تومان اعلام کرد و گفت معدنی با این عظمت به چند نفر غیر متخصص و به قیمت مفت فروخته شده است.

**Centre for the Study of Socialist Theory
and Movements
Glasgow University**

Seminars Series

**9th November 2005: Political Islam and its
relation to capital and class – Yassamine Mather**

**30 th Novoz 2005: The nature of decline –
Hillel Ticktin**

<http://www.gla.ac.uk/centres/csstm/seminars.html>

* احقاق تمام مطالبات کارگری از جمله حق اعتصاب؛ حق ایجاد تشکل مستقل کارگری؛ حق بیان و تجمع و ... که درخواست همه مردم آزاده ایران هم هست؛

* پایان بخشیدن به تمام حملات فیزیکی، دستگیری‌ها؛ کشتار و شکنجه کارگران و زحمتکشان در کارخانه‌ها و شهرهای کردستان؛

* آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی و پایان دادن به هرگونه شکنجه روحی و جسمی و صدور احکام قصاص، سنگسار و اعدام؛

* ممنوعیت کار کودکان و پایان دادن به بردگی کار آنان و تامین زندگی یکایک‌شان در سراسر کشور؛

* لغو کلیه قوانین مذهبی ضدزن و مردسالار، پایان دادن به سرکوب سیستماتیک زنان و به رسمیت شناختن برابری زن و مرد در کلیه شؤونات اجتماعی،

* اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار (آی. ال. او) و سایر مجامع کارگری؛

* جلب همبستگی بین‌المللی هر چه وسیع‌تر برای حمایت مادی و معنوی از مبارزات کارگری در ایران و از جمله جمع‌آوری تاسیس صندوق مالی برای کمک‌های به کارگران و خانواده‌های کارگران اعتصابی، اخراجی و زندانی. 20 اکتبر 2005

نامه سرگشاده! تشکلهای کارگری،

سازمانها و احزاب چپ و سوسیالیست و همه انسانیهای آزاده!

شما اطلاع دارید که کارگران ایران شاید از بیحقوقترین کارگران جهان هستند. آنان آزادی تشکل، اعتصاب، تجمع و آزادی بیان ندارند. در حالی که حکومت جمهوری اسلامی ایران، بزرگترین کارفرما محسوب میشود و بنا به آمارهای رسمی بیش از 70 درصد صنایع در دست حکومت است، اما دستمزد ناچیز صدها هزار کارگر از چند روز تا 30 ماه پرداخت نشده است. با این وجود هرگونه اعتراض کارگری با سرکوب پلیسی و خشونت جواب داده میشود. اخراج سازهایی وسیع و بی‌کاری و عدم بیمه بیکاری مکفی زیست و زندگی بیکاران و خانواده آنها را با مشکلات و آسیبهای عدیده ای مواجه ساخته است. بنا به اقرار مقامات رسمی حکومت، حدود 12 میلیون نفر از جمعیت ایران، در فقر مطلق زندگی می‌کنند و درآمدی روزانه 1 تا 2 دلار دارند. کودکان کم سن و سال بیرحمانه مورد بهره‌کشی سرمایه قرار میگیرند. در حالی که ایران، یکی از کشورهای ثروتمند جهان و بر روی دریایی از نفت و گاز قرار گرفته است. درآمد نفتی ایران در سال 2005 از سوی واحد اطلاعات اکونومیست FTU، در حدود 50 میلیارد

و 359 میلیون دلار و در سال 2006 نیز 46 میلیارد و 492 میلیون دلار برآورد شده است. جمهوری اسلامی، بخش اعظم این مبالغ را صرف دستیابی به سلاحهای اتمی کشتار جمعی میکند که هم اکنون نیز جامعه ایران را در معرض مخاطرات احتمالی قرار داده است.

مردم تحت ستم، به ویژه مردم آزادیخواه کردستان، دایما با خشونت و جنگ و کشتار نیروهای انتظامی روبه رو هستند.

اخیرا نیز مردم این منطقه در اعتراض به خشونت نیروهای انتظامی که جوانی به نام «شوانه قادری» را در زیر شکنجه به قتل رسانده بودند، دست به اعتراض زده بودند، با یورش نیروهای ضدشورش قرار گرفتند؛ حدود 25 نفر از مردم بیدفاع با تیراندازی ماموران جان خود را از دست دادند و صدها نفر نیز زخمی گردیدند. مردم شهرهای کردستان، همچنان زیر فشار میلیتاریسم زندگی سختی دارند.

زندانیهای مخوف جمهوری اسلامی، ملو از زندانیان سیاسی است و زندانیان دایما در زیر شکنجه روحی و جسمی قرار دارند. اعدامها نیز رو به فزونی است.

حکومت جمهوری اسلامی، با سیاستهای آپارتاید جنسی، آزار و اذیت زنان را تشدید کرده است. زنان ایران، از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود، حتا از انتخاب رنگ و مدل لباس نیز محروم هستند.

ما هماهنگ کنندگان «کمپین کارگران ایران تنها نیستند!»، در پایان یک ماه اعتراض به همه این بیحقوقیها و سرکوبهای حکومت جمهوری اسلامی و استنثار شدید نیروی کار در سطح بین‌المللی شما تشکلهای و احزاب و سازمانهای کارگری، چپ، سوسیالیست و انساندوست در کنار ما قرار گرفتید و بیدریغ همکاری و همبستگی با کارگران ایران نمودید، بینهایت سپاسگزاریم.

امیدواریم شما در همبستگی با مبارزات کارگران و مردم آزاده ایران، از هر طریق ممکن به حکومت جمهوری اسلامی فشار بیاورید تا حق و حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارگران ایران را به رسمیت بشناسد. از جمله خواست اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان بین‌المللی کار (ILO)، به دلیل سیاست‌های ضدکارگری و عدم اجرای قوانین جهان شمول در مورد لغو شکنجه و اعدام، حقوق و آزادی‌های کارگران، زنان، کودکان و به ویژه عدم اجرای مقوله نامه‌های 87 و 98 سازمان بین‌المللی کار، کمک شایانی به جنبش کارگری ایران میرساند.

قطعا تلاش ما با همبستگی و حمایت‌های بی دریغ طبقاتی شما، دلگرمی بیشتری به جنبش کارگری ایران می‌دهد تا قاطعانه مبارزه خود را برای رهایی از زور و ستم و استنثار جمهوری اسلامی پیش ببرد. در پایان بار دیگر از همه شما هم طبقه ای هابمان در جهان تشکر می‌کنیم.

کمپین کارگران ایران تنها نیستند!

20 اکتبر 2005

گزارش فعالیت های هفته کارگران ایران تنها نیستند

گزارش فعالیت "همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس" در هفته کارزار "کارگران ایران تنها نیستند!"

شرکت در تظاهرات 150000 نفره کارگران و حقوق بگیران فرانسوی در 4 اکتبر در پاریس. در این تظاهرات که اولین اتحاد عمل تمام سندیکاهای کارگری فرانسوی بعد از 40 سال بود، تمام فعالین اتحادیه های پاریس و بویژه "کنفدراسیون سراسری کارگران فرانسه" (س. ژ. ت) حضور داشتند. ما با اعلام حمایت از این تظاهرات به پخش 3000 اعلامیه اقدام کرده و در طول تظاهرات که بعلت شرکت گسترده و حتی بیش از حد انتظار سازمان دهندگان کارگران بیش از 5

ساعت طول کشید ، ما با گروههای مختلف اتحادیه ای و سیاسی به گفتگو نشستیم و دلایل

شرکت خود در این تظاهرات و هدف کارزار خود را توضیح دادیم . به عنوان نمونه ما اعلامیه را مستقیماً به آلن کریوین و اولیویه بزانسونو رهبران "اتحادیه کمونیستهای انقلابی" دادیم و خواستار حمایت آن-ها شدیم.

ملاقات با سناتور کمونیست خانم بیدار که به مسائل ایران بسیار حساس بوده و قبلاً در چارچوب یک هیئت به ایران سفر کرده بود . قرار شد که از این به بعد تماسهای منظم با خانم بیدار داشته باشیم.

ملاقات با آقای ژول گی سو از رهبران شاخه جوانان حزب کمونیست فرانسه و توضیح مسائل کارگران ایران و حمایت و شرکت ما در تظاهرات 4 اکتبر. در این گفتگو هم زمینه فعالیت گسترده و مداوم با ایشان مورد تاکید قرار گرفت.

جلسه با رفقای گروه "لاریبوست" و دعوت از گرگ اکسلی که در پالتاک اتاق "کارگران ایران تنها نیستند!" شرکت کرد ، و جلب حمایت آن-ها برای فعالیت مشترک در رابطه با ایران

ملاقات با فعالین اتحادیه متالورژی کنفدراسیون س.ژ.ت، توضیح مسائل کارگران ایران و اهداف کارزار ما.

شرکت در جلسه مشترک انجمن-ها و اتحادیه-های منطقه

11

پاریس و دادن اعلامیه های کارزار.

پخش اعلامیه در برابر دفتر مرکزی کنفدراسیون س.اف.د.ت که دومین سندیکای کارگران فرانسه است ، در منطقه 20 پاریس .

لازم به توضیح است که بعلت کوتاه بودن زمان فعالیت گروه ما که تنها یک ماه از ثبت رسمی آن در فرانسه میگذرد و نیز اصرار ما در عدم استفاده از کانال-های موجود گروه-های دیگر با سازمان-ها و اتحادیه-های فرانسوی برای تاکید بر خصلت فراسازمانی و وجود گرایشات مختلف نظری در گروه ، ما بیشتر سعی در معرفی کارزار و فراهم کردن زمینه بعدی کار داشتیم چرا که از نظر ما کارزار "کارگران ایران تنها نیستند!" می بایست سرآغاز مبارزات ما در حمایت از کارگران ایران و نه فقط یک کارزار یک هفته ای باشد. استقبال دوستان و رفقای فرانسوی از شرکت ما در تظاهرات 4 اکتبر نوید خوبی برای آینده است.

هفته کمپین "کارگران ایران تنها نیستند" در شهر گوتنبرگ (سوئد) چگونه گذشت؟ کارگران، زحمتکشان و فعالین مدافع حقوق کارگران

فراخوان کمپین " کارگران ایران تنها نیستند" و هدف-های برشمرده در آن در شهر (گوتنبرگ) با استقبال جمعی از فعالین گروه-ها، سازمان-ها و نیروهای چپ منفرد روبرو شد و تلاش کردند که از همه امکانات تبلیغی بهره گرفته و اهمیت این کارزار یک هفته ای را به افکار عمومی توضیح دهند.

رادیو صدای کومله در این شهر، فراخوان این حرکت رابدرون خانه-های شنوندگان خود بردو سازماندهی شب همبستگی با کارگران ایران را برای شنبه شب ۸ اکتبر و

نخستین اقدام فعالین: حزب کمونیست ایران - واحد گوتنبرگ اعلام نمود .

متعاقب آن موضوع سازماندهی یک تحرک خیابانی بشکل آکسیون ایستاده برای همان روزازجانب " مدافعین کمپین کارگران ایران تنها نیستند" اعلام شد.

برپایی نمایشگاه بین-المللی سالانه کتاب در گوتنبرگ جمعه ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵ سرفصلی شد برای بردن خواسته-های کارگران ایران بدرون جامعه میزبان. حضور آقای ربیع نیکو

یک تن از فعالین کارگری در ایران و پناهنده سیاسی - که متأسفانه این اواخر پاسخ منفی ازدولت سوئد دریافت داشته در کنار آقای فرامرز پویا مسئول روابط بین-المللی حزب چپ سوئد در غرفه فعالین اتحادیه ای و سندیکالیست سوئد صحبت

داشتند. ربیع نیکو مشکلات و معضلات کارگران ایران را برشمرد و خواسته های آنان در این مرحله را در مجموعه خواسته های اقدامات کمپین مبنی بر عدم برخورداری

کارگران از حق تشکل، حق اعتصاب، حق اجتماعات، ممنوعیت کار کودکان، نابرابری حقوق زنان کارگر با همکاران شان، بیکارسازی ها که محصول سیاست-های

خصوصی سازی و همراهی با سیاست-های جهانی شدن از زمان هاشمی رفسنجانی به این سو به پیش می رود به روشنترین وجه برای حاضرین معرفی کرد. محیط چند روزه

نمایشگاه بین المللی کتاب گوتنبرگ فرصت تبلیغی مناسبی برای معرفی کمپین رادوچندان کرد. گفتگو با رادیوهای محلی

از جمله: رادیو کومله در دوبرنامه کردی و فارسی - رادیو البرز - رادیو همراه - رادیو سپر، توانست فضای تبلیغی موثری را در معرفی کمپین " کارگران ایران تنها نیستند" با خود همراه

سازد. در این رابطه رادیو سپر در برنامه روز چهارشنبه خود طی گفتگویی با یاسمین میظریکی از فعالین این کمپین سطوح گوناگون فعالیت وسیع پشتیبانان بین المللی این

کارزار را معرفی کرد و یاسمین میظریه سئوالات گوینده رادیو پاسخ گفت. متقابلاً بهرام رحمانی نیز در گفتگویی با رادیو صدای کومله - گوتنبرگ نقش نیروهای شرکت کننده

و گستردگی این حرکت را باز شمرد . می-توان گفت: از جهت خبری فعالیت این هفته تحت پوشش موثری قرار گرفت. فراتر از این رادیو سراسری فارسی زبان سوئد "پژواک" هم حرکت شهر گوتنبرگ را در برنامه روز

جمعه خود بازتاب داد و رادیو برابری نیز برای پوشش داخل کشور و انعکاس وسیعترین اقدام دو بار با امیرجوهری و با دیگر فعالین این کمپین گفتگو داشته و رادیو صدای کارگران

نیز به این امر مبادرت ورزیده است . آکسیون خیابانی ساعت ۳۰/۱۲ ظهر با حضور جمعی از فعالین سیاسی شهر و برپاداشتن چندین باندرول و پلاکارد در دفاع

از خواسته-های کارگران ایران شروع و با خواندن متن اطلاعیه و پخش تراکت تبلیغی خود به زبان سوئدی و سردادن شعارها توسط اجتماع کنندگان در حرکت اعتراضی، نظر رهگذران جامعه میزبان را به خود جلب می-نمودند. جمع

آوری امضاءهای حمایتی از خواسته-های کارگران ایران، پخش اطلاعیه و سردادن شعار تا ساعت ۲ ادامه داشت.

اضافه گردد، روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه فروم اجتماعی

شهر گوتنبرگ در محدوده مرکزی شهر فضای سیاسی و ویژه‌های بوجود آورده بود و همین فرصت دیگری بود که موضوع کمپین و پخش اطلاعیه‌های آن بدون فعالین سوئدی برده شود.

نشست شب هنگام تحت عنوان: "شب همبستگی با کارگران ایران" در ادامه حرکت خیابانی در سالن اجتماعات فولکت هوس هامارکولن با حضور جمعی از فعالین سیاسی شهر و مدافعین کارگران و آزادیخواهان ایرانی استقبال شد. سالن بابرپایی میزکتاب و شعارها و عکس‌هایی آذین شده بود.

مجری برنامه آقای اردشیر نصرالله بیگی، از فعالین شناخته شده حزب کمونیست ایران - گوتنبرگ، ابتداء برنامه شب همبستگی را در دو سطح سیاسی و با حضور سخنرانان جلسه رفقا: (فرهاد شعبانی - کریم منیری - امیر جواهری) و اجراء موسیقی و پذیرایی معرفی کرد. سپس با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد همه خون‌هایی که در راه وصول آزادی بر زمین ریخته شد و سپس با پخش سرودانترناسیونال به زبان ارمنی فضای صمیمانه‌ای در سالن و درمیان جمع پدید آمد. رفیق اردشیر سپس اطلاعیه شب همبستگی را برای جمعیت حاضر ادا نمود: تو تنها نیستی ای هم سرنوشت. از معادن آهن کرمان تا نساجی کردستان، از شاهوی سنجند تا صنایع چوب ساوه، از معادن سنگ طیس تا کنار تنور های داغ نانوائیهای اصفهان. کردستان، از کارگاههای قالی باف ساوه تا یخچال سازی لرستان در میدانی بسیار وسیعتر از این، نبرد کارگران ایرن بت رژیم سرمایه‌داری اسلامی و کارفرمایان با هدف یستیبایی به خواسته‌ها و مطالباتشان همچنان ادامه دارد.

در چنین شرایطی طبقه کارگر ایران نیازمند حمایت و پشتیبانی ما و هم طبقه ایبایشان در سراسر جهان است. برای نشان دادن حمایت خود از این مبارزات، ما فعالین در کنار شما یاران شریف و آزادیخواه امشب در این مکان دور هم جمع شده ایم تا پشتیبانی و همبستگی خود را با کارگران و زحمتکشان ایران اعلام داریم. در اینجا ادامه برنامه را به فرهاد شعبانی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران که مهمان برنامه شب همبستگی با کارگران ایران در گوتنبرگ هستند، واگذار می کنیم.

رفیق فرهاد یادآور شد: اطلاعیه شما که الان ادا گردید نشان می‌دهد که: مبارزات کارگران در ایران پهنه وسیعی از سراسر کشور را با خود به همراه دارد و روزی نیست که ما شاهد اعتصاب، اعتراض و تجمعات کارگرن در برابر کارخانه‌ها، فرمانداری‌ها، اداره کار، استانداری‌ها، و حتی مجلس اسلامی نباشیم. کارگران در وسیع ترین شکل خیابان‌ها را می بندند، راه بن‌دان می‌کنند، لاستیک آتش میزنند تا فرصتی برای وصول مطالبات خود بیابند. امروز برانگیختن پشتیبانی و حمایت بین‌المللی وظیفه عاجل ما در پشتیبانی از تحركات داخل کشور است. حمایت مالی و تدارک صندوق حمایت از اعتصابات کارگران داخل کشور امر همه ما فعالین سازمان‌ها؛ احزاب و مردم شرافتمندی است که خود را با مبارزات کارگران داخل کشور هم سرنوشت می یابند. چندی پیش کارگران شاهو از سنجند کردستان ایران با انتشار اسامی خود و اعلام شماره حسابی از ما یاری طلب

کردند تا بتوانند به مبارزات خود ادامه دهند و اعضاء خانواده شان زیر بار فشار زندگی له نشوند. هفته کمپین: "کارگران ایران تنها نیستند" نشان داد که در جمع ما ظرفیت بیشماری است، مادامی که دور هم جمع می شویم قادر می‌گردیم که کاری بدین وسعت انجام دهیم. باید نقاط قوت و ضعف این حرکت را برشمرد و برای استمرار کارنقشه داشت. رفیق شعبانی در ادامه برای مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران در جای جای کشور و پشتیبانان آنان در این سوی جهان آرزوی همراهی و اتحاد همه جانبه تر و رسالت آمیزتری را آرزو کرد.

پس آنگاه ادامه برنامه از جانب مجری به کریم منیری فعال کارگری سپرده شد. رفیق کریم ضمن برشمردن شمه ای از فعل و انفعالات مبارزات کارگران در طی سالهای اخیر، به دشواری مبارزات نیز اشاره داشت. منیری در بخشی از سخنان خویش: موانع سازماندهی جنبش کارگران در ایران را تنها موجودیت استبداد حاکم ندانست بلکه عامل شکست و تشننت را در وضعیت موجود را نیز از عوامل این موانع شمرد. رفیق منیری در پایان سخنانش و اطلاع رسانی به حاضرین اعلام داشت: چندی است که در این شهر جمعی از فعالین سیاسی با قبول پذیرش گرایشات گرد هم آمدند و پی گفتگوهای چندی بر سر مواردی به توافق رسیده اند. این جمع به زودی مباحث خود را علنی می نمایند. جا دارد که همه ما برای دفاع از موجودیت مبارزات کارگران در شرایط اجتماعی خارج از کشور زمینه بحث و گفتگوهای همه جانبه تری را فراهم آوریم تا به شکل همه جانبه تری در سطح پشتیبانان بین‌المللی تحركات وسیع تری را سازمان دهیم. این سطح از بحث‌ها تعدد گرایشات را در خود جا داده و تحرك از پایین را مبنای عمل خود می شناسد. امید داریم که بتوانیم همه ظرفیت موجود در این شهر را در این اقدام سهیم ببینیم. با آرزوی پیروزی سخنان خود رابه پایان برد. پس آنگاه برنامه با اجراء ترانه و سرودی توسط یکی

از حاضرین به زبان ارمنی فضایی دیگری به شب همبستگی بخشید. ادای منظومه بلند رفیق کاوه از فعالین حزب کمونیست ایران و کومله به زبان کردی بخش دیگری از برنامه شب همبستگی بود. این بخش از برنامه با سخنان امیر جواهری به پایان برده شد. رفیق امیر با ادای گزارش کارکرد یک هفته ای اقدامات صورت گرفته در سطح شهرها و کشورهای جهان به اشکال مختلف و معرفی پشتیبانان این حرکت و تدارک سه جلسه پالتاکی و حضور چند تنی از حمایت گران فرانسوی، انگلیسی؛ کانادایی در اطاق در یکشنبه شب گذشته و در ادامه چهارشنبه شب محمود صالحی از چهره های شناخته شده جنبش کارگری و یک تن از سخنگویان: "کمیته ی هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" و یارانش از سفر مهمان اطاق بودند. آنان از مشکلات و تنگناهای این مرحله از مبارزات خود برای حاضرین صحبت کردند و خواستار دریافت گزارشی از این اقدام سراسری کمپین "کارگران ایران تنها نیستند" را طلب کردند. دست اند کاران این اقدام گزارش همه جانبه ای از کارهای صورت گرفته ارائه داد. محمود صالحی در ادامه از دشواری مبارزات خود و اینکه در داخل کشور پیشروان

در این میز گرد مجموعاً 120 امضاء، 319 کرون و پخش 800 صفحه نوشته‌های کمیته هماهنگی مربوط به کارگران ایران تنها نیستند در میان مردمی که مشتاقانه طلب خواندن آن بودند پخش گردید.

گزارش فعالیت‌های «کمیته هماهنگی هفته همبستگی با کارگران ایران - استکهلم» فعالیت‌های متنوعی برای جلب حمایت و پشتیبانی تشکل‌های کارگری و سازمان‌های چپ و سوسیالیست از مبارزات کارگران ایران، انجام گرفت که گزارش کوتاهی از آن را به همراه عکس در این‌جا می‌آوریم. در نشریات سازمان‌ها و احزاب چپ سوئدی مطالبی در رابطه با وضعیت کارگران ایران، جنبش انقلابی کردستان و برای آزادی زندانیان سیاسی و... نوشته شد. در رایوهای فارسی زبان، چندین مصاحبه در این مورد صورت گرفت.

همچنین سه برنامه مشخص، یعنی شب همبستگی با کارگران ایران، آکسیون اعتراضی در مقابل سفارت ایران و آکسیون نیز در میدان مرکزی استکهلم برگزار گردید. اول اکتبر در سالن «شیستا ترف»، شب همبستگی با کارگران ایران برگزار شد. نخست رفیق فرخنده آشنا به عنوان مجری برنامه‌ها را اعلام کرد. سپس بهرام رحمانی درباره وضعیت کارگران ایران و مبارزاتشان سخن گفت. جمشید اطیابی، ترجمه فشرده‌ای از این بحث را به جلسه ارائه داد Håkan Blomqvist رهبر حزب سوسیالیست و استاد انستیتو تحقیقات اجتماعی استکهلم، Johansson Arne و Mattias Brundhard از حزب سوسیالیست عدالت‌خواه و رفیق عباس افشم، از فعالین با سابقه جنبش کارگری ایران، درباره موقعیت کارگران سخنرانی گفتند.

در بخش دیگر این برنامه فیلم مستندی به زبان انگلیسی از مبارزات کارگران و مردم معترض آرژانتین که نخست رفیق رحیم عابدین‌زاده توضیحاتی درباره آن داد و سپس بخشی از آن در پرده بزرگ نمایش داده شد. این مراسم با سرود انترناسیونال به پایان رسید.

عصر هفتم اکتبر، جوانان سوسیالیست سوئدی، در حمایت از جنبش کارگری ایران، آکسیون را در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم برگزار کردند که خانم Helena Ericsson، سردبیر نشریه کارگران کومونال و خانم Kerstin Alfredsson از سوی سازمان مارکسیست‌های جنبش کارگری و رفقا جمشید و عباس افشم نیز سخنرانی کردند. این آکسیون با خواندن سرود انترناسیونال به پایان رسید.

روز هشتم اکتبر، آکسیون نیز در میدان مرکزی استکهلم برگزار گردید که توجه بخش وسیعی از مردم را جلب کرد. در ابتدا خانم پیا اطیابی، گزارشی از وضعیت کارگران، زنان و کودکان ایران را به زبان سوئدی قرائت کرد.

سخنرانان درباره وضعیت ایران و به ویژه مبارزات جنبش کارگری حرف زدند. اولین سخنران Håkan Blomqvist رهبر حزب سوسیالیست بود. وی در بخشی از سخنرانی خود به مبارزه و مطالبات کارگران ایران پرداخت و در بخش دیگر به وضعیت جنبش کارگری سوئد اشاره کرد و بر

کارگری حاضر به صرف هرگونه هزینه ای در راستای وصول مطالبات خود هستند ولی همه آنان به پشتیبانی و حمایت بین‌المللی در تمام سطوح مادی و معنوی احتیاج دارند. انتظار کارگران داخل کشور این است که ما در اینجا، مشکلات و دشواری‌های زندگی آنان را به جهان اعلام داریم و حمایت بین‌المللی را با اقدامات آنان همراه نماییم. همان گونه که رفیق شعبانی اشاره به شماره حساب کارگران شاهو سندنچ نمود، می‌تواند نمونه دفاع عملی از خواسته کارگران در صحنه باشد. در ادامه باید بگوییم: همچنین فعالین کمپین جمعه شب گذشته اطاق دیگری تشکیل دادند تا گزارشات دریافتی را اعلام دارند. تمایل عمومی به ادامه کاری و بر شمردن نقاط ضعف و قوت این حرکت بوده است. قرار شد که در ادامه با زهم در جمعه شب 14 اکتبر نشستی تحت عنوان: "گزارش دهی و جمع‌بندی از این اقدام یک هفته‌ای" صورت گیرد. جا دارد که دوستان حاضر نیز در این سلسله بحث‌ها مشارکت ورزند. رفیق امیر در پایان از اطلاع رسانی کریم منیری تشکر کرد و افزود: شهر گوتنبرگ ظرفیت وسیعی از فعالین منفرد چپ و سوسیالیست را با خود به همراه دارد، کافی است که عینک انحصار طلبی و فرقه‌ای را به کناری نهیم و از این همه ظرفیت در پشتیبانی از مبارزات کارگران و زحمتکشانشان در بحث و گفتگوها بهره گیریم. کمپین یک هفته‌ای: "کارگران ایران تنها نیستند" در این شرایط و با این وسعت نشان داد وقتی به این شکل و بر سر خواسته‌های معینی دور هم جمع شویم، می‌توانیم هر کدام ارتباط فردی خود را در سطح این و آن کشور در یک ظرف عمومی جا دهیم و می‌بینیم که از این کمپین امروز بیش از 180 نیرو در سطح جهان پشتیبانی کرده‌اند و این سطح کار به تنهایی ممکن نیست. با آرزوی استمرار این تحرکات و ادامه اقدامات در سطح شهر گوتنبرگ، سخنانم را به پایان می‌برم.

ادامه برنامه شب همبستگی با کارگران ایران در گوتنبرگ با پذیرایی و پخش ترانه و سرود و همراهی حاضرین تا پاسی از شب ادامه داشت.

مجموع این تحرکات دیگر بار در رادیو البرز در یکشنبه شب و در رادیو کومله به اطلاع مردم رسید. با آرزوی ادامه اینگونه اقدامات و تشکر از رسانه‌های شهر درامر خبررسانی. و همه دست اندرکاران و پشتیبان کمپین کارگران ایران تنها نیستند."

مدافعین کمپین "کارگران ایران تنها نیستند" - گوتنبرگ سوئداکتبر 2005 برابر مهر 1384

9 اکتبر در حمایت و پشتیبانی از کارگران ایران گزارش وستروس سوئد

از ساعت 11 تا 3 بعد از ظهر میز گردی همراه با پلاکارد بزرگ که (پشتیبانی از کارگران ایران تنها نیستند) روی آن نوشته بود در یکی از خیابان‌های اصلی شهر وستروس در سوئد ایجاد گردید. در این روز نمایندگان سندیکالیستهای شهر فعالانه شرکت کردند بطوریکه هر 15 دقیقه یک باریکی از آنها با بلند گویی که در دست داشت پیام کمیته هماهنگی کارگران ایران تنها نیستند را میخواند و دیگران و به جمع آوری امضاء و پول مشغول بودند.

همبستگی کارگران ایران و سوئد در مبارزه علیه سرمایه و رژیم-ها حامی سرمایه تاکید کرد.

یکی دیگر از سخنرانان Andreas Malm از فعالین سندیکالیست سوئد بود که چند ماه پیش به همراه یکی از اعضای ایرانی سندیکالیست-ها به ایران سفر کرده بود و در بازگشت یک شماره از نشریه سندیکالیست-ها را به ویژه-نامه مبارزات و موقعیت کارگران ایران اختصاص داده بودند که به صورت کتاب نیز چاپ شده و در این آکسیون نسخه-هایی از آن به فروش رسید.

Per Åke از سوی حزب سوسیالیست-های عدالت-خواه و یکی از سردبیران نشریه چپ «اوفنسیو» سخنرانی کرد.

خانم Kerstin Alfredsson از سوی سازمان مارکسیست-های جنبش کارگری سخن-رانی کرد که در سخنان خود از جمله برای کارگران ایران آرزوی موفقیت کرد.

نامه پشتیبانی حزب چپ سوئد، با امضای Lars Ohly رهبر، Alic Åström خانم نماینده پارلمان سوئد و مسئول روابط بین-الملل حزب، Jonas Sjöstedt عضو گروه نمایندگی حزب چپ در پارلمان اروپا، Ulla Hafmen خانم معاون حزب، Thomas Magnusson بخش استان استکهلم حزب چپ، و Faramarz Pooya مشاور سیاسی حزب چپ قرائت گردید.

علاوه بر سخنرانان، Jan Hammarlund هنرمند سرشناس چپ سوئدی، در این آکسیون حضور داشت که با صدای دلنشین و اشعار طبقاتی-اش چند سرود و ترانه خواند که بیش از پیش توجه رهگذران را به آکسیون و شعارهای آن جلب کرد.

بر روی چندین باندول شعارهای فوق نوشته شده بود: «از جنبش کارگری ایران حمایت کنید!»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد!»، «سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!» و «زننده باد سوسیالیسم!»

در پایان قطعنامه به زبان فارسی را رفیق عباس افشم و سوئدی آن را نیز خانم پیا مجری برنامه قرائت کردند.

اگر بخواهیم جمع-بندی فشرده-ای از این حرکت-های اخیر استکهلم بکنیم، باید گفت تجربه خوب و مثبتی بود. اولاً، هرگونه تصمیم-گیری در فضایی صمیمانه و شورایی گرفته می-شد. دوماً، ما جدا از مراجعه به رهبری اتحادیه-ها به لوکال-های این تشکل-ها مراجعه کردیم که رایکال-تر از رهبری بورورکراتیک رهبری اتحادیه است. سوماً، به تشکل-های چپ و سوسیالیست با چشم-انداز رابطه مستمر مراجعه کردیم و رسانه-های آن-ها نیز اخبار و مقالاتی در رابطه با جنبش کارگری ایران و کردستان درج کردند. همچنین رفقای سوئدی خواهان ارسال اخبار و گزارشات جنبش کارگری ایران به رسانه-های آن-ها و ادامه رابطه مستمر بودند. این هم رگه-هایی از تلاش-های انترناسیونالیستی ما بود که باید تعمیق و گسترش یابد.

قطعنامه آکسیون 8 اکتبر استکهلم

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، بی‌وقفه به بی‌عدالتی، اختناق و سرکوب جنبش کارگری و مردم تحت ستم و آزادی‌خواه ادامه می‌دهد. کارگران ایران، از ابتدایی‌ترین

حقوق دمکراتیک خود، مانند حق تشکل مستقل و اعتصاب و تجمع و آزادی بیان محروم هستند. حتا دستمزد ناچیز آن-ها به موقع پرداخت نمی‌شود. اما با وجود این همه سرکوب و اختناق سیاسی و فشارهای اقتصادی، اکثریت مردم ایران، به ویژه کارگران، برای برکناری این رژیم و برپایی حکومت دل‌خواه خود در فضایی آزاد، انسانی و برابر پیگیرانه مبارزه می-کنند. ما فعالین جنبش کارگری، که همواره بر علیه زور و ستم و استثمار و سرکوب و جنگ مبارزه می‌کنیم، در اعتراض به سرکوب‌ها و اختناق و جنایات جمهوری اسلامی، با هدف جلب حمایت و پشتیبانی تشکل‌های کارگری و سازمان‌های چپ، سوسیالیست و انسان‌دوست جهان، کمپین «کارگران ایران تنها نیستند!» را پیش می‌بریم، در استکهلم نیز با همکاری دوستان سوئدی، در اول اکتبر یک شب همبستگی و هفتم اکتبر نیز به فراخوان جوانان چپ سوئدی آکسیونی را در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برگزار کردیم، امروز هشتم اکتبر نیز در این‌جا جمع شده‌ایم تا از جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های حق‌طلب ایران دفاع کنیم؛ خواهان تحقق مطالبات زیر هستیم:

1- احقاق تمام مطالبات کارگری از جمله حق اعتصاب، حق ایجاد تشکل مستقل کارگری، حق آزادی بیان و تجمع و...

2- پایان بخشیدن به تمام حملات فیزیکی و حالت فوق‌العاده نظامی، دستگیری‌ها، کشتار و شکنجه کارگران و زحمتکشان در کارخانه‌ها و شهرهای کردستان؛

3- آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی و پایان دادن به هر گونه شکنجه روحی و جسمی، سنگسار، قصاص و اعدام؛

4- پایان دادن به کار کوکان و تامین زندگی آنان؛

5- اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان بین‌المللی کار.

کمیته هماهنگی هفته همبستگی با کارگران ایران - استکهلم
هشتم اکتبر 2005

گزارش فعالیت های کمیته پشتیبانی از " کارگران ایران تنها نیستند" - هامبورگ

"کمیته پشتیبانی" در شهر هامبورگ، با این روحیه تشکیل شد که امر دفاع از کارگران ایران باید به مثابه یک حرکت فعال و همگانی و به ویژه فراگرایی عمل نموده و به یک جریان دائمی تبدیل گردد.

از آنجائی که ما ارتباط گسترده و ارگانیک با احزاب و سازمان های کمونیستی و چپ و اتحادیه ها و تشکلات کارگری نداشتیم و در عین حال با توجه به فرصت اندک و محدود این کارزار، برای ما امکان برگزاری فعالیت های عملی موجود نبود، لذا " کمیته پشتیبانی " هامبورگ، اساساً تمرکز خود را جهت دریافت پیام های پشتیبانی و انعکاس اخبار مبارزات کارگران ایران معطوف داشت. از این رو اقدامات ما محدود به موارد زیرین است:

1- ارسال متن ترجمه شده اطلاعیه به زبان های آلمانی و انگلیسی به حزب مارکسیست - لنینیست آلمان (MLPD) ، حزب سوسیالیسم دمکراتیک (PDS) ، اتحادیه معلمان

ایجاد صندوق کمک به کارگران ایران و انتشار قبض-های کمک مالی.

کمیته پشتیبانی از " کارگران ایران تنها نیستند" - هامبورگ؛ 2005/10/12

گزارش فرانکفورت ترجمه متن آلمانی نامه سوسیالیست-های انقلابی آلمان- رفقا

گزارش-هایی که ملاحظه می-کنید از حرکت اعتراضی هفته همبستگی با کارگران ایران در فرانکفورت در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی می باشد.

سوسیالیست-ها و اعضای اتحادیه-ها به صورت بین-المللی در آخرین روزها در مقابل سفارت-ها و کنسولگری-های ایران بر علیه فشارهای روبه افزایش دولتی در برابر تلاش برای ایجاد تشکلات مستقل کارگری در ایران تظاهرات کردند.

این حرکت اعتراضی یک هفته-ای برای دفاع از کارگران ایرانی تحت نام (کارگران ایران تنها نیستند) صورت می گیرد.

در ارتباط با این حرکت حمایتی روز دوشنبه قبل از ظهر در فرانکفورت و همین طور برلین در مقابل سفارت جمهوری اسلامی این اکسیون انجام پذیرفت.

در فرانکفورت رفقای ما، در ابتدا 4 رفیق در مقابل سفارت جا گرفتند و برای حق تشکل مستقل کارگران و آزادی زندانیان سیاسی اعتراض نمودند.

مدت کوتاهی از باز کردن رولهای پلاکاردهایمان در مقابل ساختمان (لوکس زده ی) سفارت نگذشته بود که شخصی از کارکنان سفارت با عجله بیرون دوید و پرسید شما اینجا چه کار می خواهید انجام دهید.

که ما جواب دادیم در اعتراض برای احقاق حق کارگران در ایران اینجا هستیم . او به این ترتیب خواهان ترک محل سفارت بوسیله ی ما شد وگرنه در غیر این صورت پلیس را متوجه خواهد نمود. شخص مورد نظر در مدت 5 دقیقه سعی نمود دو بار پلاکاردهای ما را پاره نماید، کاری که موفق به انجام آن نگردید!

پس از مدت کوتاهی بعد از این جریان پلیس اولین گروه خود را وارد ماجرا نمود. بعد از یک مشاجره کوتاه با پلیس ما محل اعتراض خود را به آنسوی خیابان انتقال دادیم. به این دلیل که اعتراض مستقیماً در مقابل سفارت ممنوع بوده. این مسئله غیرمحترمانه با ما در میان گذاشته شد. به جز این مسئله روی هم رفته فضای این حرکت خوب بود.

بعد از این مسئله تعداد بیشتری رفقای فعال ایرانی فرانکفورتی به تظاهرات آمدند. این رفقا با سلامهای فراوان به اعتراض پیوستند و با تشکر از یک یک ما به خاطر این حمایت و همکاری فعال به حرکت اعتراضی پیوستند. روی هم رفته می توان این اعتراض را از دسته اعتراض های موفقیت آمیز دانست. زیرا که رفتار خشن و امتناع غیردوستانه متعلقین سفارت رژیم جمهوری اسلامی اهداف و خواسته های ما را مورد تأیید قرار داد.

کارکنان سفارت که از دریافت نامه از طرف ما امتناع می کردند، گذشته از این حتی حاضر نشدند شخصی را به

(GEW)، سازمان Linksrück جریان چپی که بیشتر در فعالیت-های غیر پارلمانی از جمله سوسیال فوروم فعال است) و روزنامه Neues Deutschland. از این احزاب و تشکل ها خواستار شدیم که ضمن انتشار بیانیه " کارگران ایران تنها نیستند"، اقدام به ارسال پیام های پشتیبانی نمایند.

- 2در ماه اکتبر یک تور در ارتباط با سندیکای کارگران نفت بصره - عراق در 16 شهر آلمان انجام خواهد گرفت. از آنجائی که ما در کمیته تدارک این تور در هامبورگ هستیم، پیش نهاد دادیم که در جلسه شهر هامبورگ، ما هم امکان پیدا کنیم که در یک زمان محدود در ارتباط با کارگران ایران صحبت کنیم. اما چون پیش نهادهای دیگری نیز از جانب سایر گروه ها و سازمان-های موجود در این کمیته اعلام شده بود، لذا همگان بر این نظر بودند که این امر باعث عدم تمرکز در مورد مبارزات کارگران عراق شده و لذا مورد موافقت قرار نگیرد. ولی برگزاری چنین اکسیون سراسری در مورد کارگران ایران مورد استقبال قرار گرفت که ما کار در این زمینه را پس از پایان تور کارگران عراق پیگیری خواهیم کرد. ضمناً در نظر داریم در همین نشست نیز یک برگه اطلاعاتی در مورد وضعیت و مبارزات کارگران ایران تهیه و توزیع کنیم.

- 3از ماه اوت سال 2004 در اعتراض به هجوم دولت آلمان به اقسار پائینی جامعه که در شکل قانون 4 - Hartz عملی گردیده، جنبشی به نام تظاهرات دوشنبه ها بوجود آمد. تظاهرات دوشنبه ها در ابتدا در بیش از 220 شهر آلمان هر دوشنبه برگزار می شد. اوج این مبارزات در تظاهرات 2 اکتبر سال 2004 (با شرکت بیش از 50 هزار نفر) و در 3 اکتبر (با بیش از 30 هزار نفر) در شهر برلین به نمایش گذاشته شد. این تظاهرات هم چنان در بیش از 80 شهر آلمان ادامه دارد. برخی از اعضای "کمیته پشتیبانی" هامبورگ از ابتدا به طور فعال در این جنبش شرکت نمودند. در تاریخ 5 نوامبر یک تظاهرات مرکزی از جانب کمیته هماهنگی این تظاهرات در شهر برلین سازمان دهی شده است. ما خواستار شده ایم در صورت امکان در میتینگ پایانی این تظاهرات بتوانیم پیامی در پشتیبانی از این مبارزات و مختصری در ارتباط با وضعیت کارگران ایران و مبارزات آنان قرائت نمائیم. هنوز جوابی در این مورد دریافت نکرده ایم.

- 4گفتگو و بررسی برگزاری یک شب همبستگی کارگران ایران و آلمان، در ارتباط با سالگرد اعتصاب با شکوه هشت روزه کارگران آبل.

پیشنهادات ما به کمیته هماهنگی:

ایجاد یک کمیته فراگرایی، گسترده و دائمی در ارتباط با طرح وضعیت و مبارزات کارگران ایران در میان احزاب، سازمان-ها، اتحادیه-ها و تشکل-های کارگری در خارج از ایران که بتواند تدریجاً اعتبار نمایندگی کارگران ایران را در عمل کسب کند.

ایجاد یک مرکز خبری-بانک اطلاعاتی در مورد مبارزات کارگران ایران و انتشار منظم اخبار و اطلاعات جمع آوری شده به زبان-های مختلف جهت تغذیه و ارتباط با سازمان-های خارجی.

نمایندگی از طرف ما بپذیرند. به این ترتیب می بایستی ما این نامه را بعداً بوسیله فاکس برای آن-ها ارسال کنیم. با تمام این احوال آن چیزی که برای ما مهم بود این بود که که حمایت از کارگران ایران و زندانیان سیاسی را برجسته نمائیم.

مهمانان و مراجعین کنسولگری ایران بوسیله اطلاعیه ها و

گزارشات ما از وضعیت سخت فعالین سندیکائی در ایران مطلع گردیدند. ما در جایمان ایستاده ایم، "ما کارگران ایران را تنها نمی گذاریم!"

گزارش هفته حمایت از کارگران ایران از برمن از تاریخ 5 اکتبر تا 7 اکتبر تظاهرات ایستاده ایی در حمایت از کارگران ایران و همبستگی با آن-ها در اعتراض به سیاست-های ضدانسانی جمهور اسلامی و در حمایت از فراخوان بین-المللی " کارگران ایران تنها نیستند" از طرف نیروهای چپ و دمکرات و آزادیخواه در شهر برمن تدارک دیده شده بود که در روز اول به شکل اکسیون و حمل پلاکاردهایی به زبان آلمانی و فارسی بود که سعی شده بود مطالبات و خواسته-های کارگران ایران روی آن نوشته و برای جلب توجه مردم و خواندن آن-ها، این خواسته هارا به صورت کاغذهای کوچک تهیه و چاپ کرده بودیم که به دست مردم می دادیم .

از جمله خواسته-ها :

حق اعتصاب

لغو کار قراردادی

حق بیان و آزادی

دفاع از امنیت کار

حق بیمه

حق تشکل نیاز انسانی است

آزادی همه زندانیان سیاسی

و....در روز دوم و سوم میز اطلاعات گذاشته شده بود. از جمله تصویب قانون کار که در سال 1990 کارگران را از حق تشکل محروم می سازد.

تصویب لغو مشمولیت کار در کارگاه-های کمتر از پنج نفر، سرکوب کارگران خانون آباد کرمان و سرکوب کارگران در تهران و کردستان و...

در واقع میز کتاب و اطلاعات بازده ای بسیار مثبتی داشت و رفقاو دوستانی که به زبان آلمانی مسلط بودند سعی کردند تا مردم صحبت کنند و خواسته-ها و مطالبات کارگران ایران را مطرح نمایند و سیاست های ضد کارگری جمهوری اسلامی را در این سه روز به نمایش گذاشته شد . کمپین "کارگران ایران تنها نیستند."

گزارش حرکت اعتراضی در برلین

در ارتباط با هفته کارگران ایران تنها نیستند و هم-زمان با حرکت اعتراضی در اقصی نقاط جهان و حرکت اعتراضی

در فرانکفورت، اعتراضی نیز در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در برلین همراه با رفقای فعال آلمانی صورت گرفت. این حرکت نیز تحت نام کارگران ایران تنها نیستند با حمل پلاکاردهائی با همین مضمون در مقابل سفارت ایران در برلین صورت گرفت.

رفقای ایرانی و فعالین چپ سوسیالیست آلمانی که ساعت 9 صبح روز دوشنبه در مقابل سفارت ایران تجمع نموده بودند در اولین ساعات صبح روز دوشنبه با حمل پلاکارد و تهیه شعارهائی در حمایت از کارگران ایران و حق ایجاد تشکلات مستقل، حرکت اعتراضی خود را آغاز نمودند.

این اعتراض که با عکس العمل سریع کارکنان سفارت مواجه شده بود محافظین سفارت را مجبور به رفت و آمدهای مکرر و فراوان چه پیاده و چه با اتومبیل نمود و به این ترتیب وابستگان سفارت نگرانی خود را از این اعتراض نشان دادند. این اعتراض با وجود این-که از لحاظ تعدد افراد کوچک بود ولی نگرانی هائی را در افراد سفارت و همچنین پلیس ایجاد کرد.

دقایقی پس از شروع حرکت اعتراضی سرو کله پلیس در محل پیدا شده و با عجله و نگرانی از تعداد ما و از این-که انتظار افراد بیشتری را می کشیم می پرسیدند و آیا این-که برای این کار اجازه رسمی را داریم یا نه؟

با وجود اینکه ما توضیح دادیم که انتظار افراد بیشتری را نداریم و رفقای ما همه در محل حضور دارند ، پس از حضور اولین گشتی پلیس، به تعداد اتومبیلهای گشتی افزوده می شد به طوری که تعداد افراد و اتومبیل-های گشتی پلیس از تعداد تظاهرکنندگان بیشتر می شد.

پلیس که با آوردن مینی بوس خالی در محل نگرانی خود را از یک حرکت از قبل اعلام نشده و احتمال شرکت افراد بیشتر را به ما نشان می داد، بعد از سرو کله زدن ها و مشاجره های بیشتر زمانی که پلیس از نظر حضور افراد فعال دیگری در محل خاطرش آسوده گردید عقب نشینی نموده بود مجدداً به این انصراف افتاد که به بهانه حفظ مسافت میان ما و ساختمان سفارت ما را به آنسوی خیابان نقل مکان دهد. البته جای آن دارد که از حضور افراد پلیس با لباس شخصی نیز در میان سایر افراد پلیس نام ببریم.

بعد از مشاجره ای دیگر ما پذیرفتیم که به آن سوی خیابان مقابل سفارت برویم که خود شانس بیشتری به ما داد که اشخاصی که از خیابان عبور می کردند و حضور ما را حس نموده بودند مسئله و علت اعتراض خود را برای آنان توضیح دهیم. بعضی از این اشخاص با وجود اینکه در محل زندگی می کردند با تعجب اظهار نمودند که از وجود سفارت ایران در آنجا بی خبر بوده و اکنون بعد از حضور ما به این مسئله پی برده اند.

ما که با به دست داشتن پلاکاردها و پیکتها به آهستگی به آنسوی خیابان می رفتیم، بالاجبار به علت رفت و آمد اتومبیلها مجبور به توقف بیشتری در سطح خیابان گردیدیم که این هم با اعتراض نیروی پلیس روبرو شد.

در خلال این مدت رفقا با سر دادن شعار در حمایت از کارگران ایران و اینکه کارگران ایران تنها نیستند فضای پر

از سکوت خیابان را به شور و شوق در آورده و توجه رهگذران را به وجود خود جلب می کردند.

رفقای شرکت کننده در این حرکت پس از مدت نسبتاً طولانی با در دست داشتن پلاکارد اقدام به ترک محل نمودند که مجدداً با مزاحمت پلیس برای کنترل مدارک شناسائی یکی از شرکت کنندگان با اعتراض ما مواجه شدند و مجبور به عقب نشینی گردیدند.

در خاتمه رفقا محل را با آرزوی جمع شدن مجدد در ارتباط با حمایت‌های فعالیتهای مستمرتری در ارتباط با کارگران ایران ترک نمودند.

9 اکتبر 2005

به حمایت از کارگران ایران، در تورنتوی کانادا برگزار شد !

گردهمایی در همبستگی با کمپین "کارگران ایران تنها نیستند" روز شنبه 8 اکتبر جلسه ای در دانشگاه پیرسون در همبستگی با کمپین "کارگران ایران تنها نیستند" برگزار شد. این برنامه که شامل اجرای موسیقی و سخنرانی خانم نسرین در مورد زنان کارگر بود با موفقیت برگزار شد. نیروهای سازمانده عبارت بودند

از :

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - تورنتو و حزب کمونیست ایران - تورنتو
گزارش فعالین کمپین «هفته همبستگی با کارگران ایران» در انگلیس و اسکاتلند

اسکاتلند

گزارش ملاقات مدافعان هفته دفاع از کارگران ایران با بخش بین-المللی شورای سراسری اتحادیه های کارگری اسکاتلند. صبح سه شنبه 4 اکتبر 2004، مدافعان هفته دفاع از کارگران ایران، شامل دو نفر از اعضای گرایش کارگری در حزب سوسیالیست اسکاتلند، یک نفر از اعضای تحریریه نشریه کریتیک و دو نفر از اعضای فورم مارکسیستی اسکاتلند با بخش بین-المللی شورای سراسری اتحادیه های کارگری اسکاتلند در گلاسکو ملاقات کردند و پس از توضیح شفاهی پیرامون مفاد نامه و فراخوان این کارزار از این بخش خواستند تا مسئله کارگران ایران را در اجلاس کمیته اجرایی این اتحادیه ها که در هفته اول ماه نوامبر برگزار می شود طرح کنند و در رابطه با حمایت از خواست های کمپین «کارگران ایران تنها نیستند» آنها را به تصوب اتحادیه های عضو این شورا و شورای سراسری برسانند.

همچنین در جلسه روز شنبه 1 اکتبر فورم مارکسیستی اسکاتلند که در دانشگاه کالدونیان برپا گردید، 11 نفر اعضای هماهنگی این فورم تصمیم گرفتند از کمپین «کارگران ایران تنها نیستند» دفاع کنند و مسولین این کمیته «ماتیو جونز» و سندی مکبرنی به نمایندگی از طرف فورم و مدافعان نشریه کریتیک در روزهای 8 و 9 اکتبر در کنفرانس حزب سوسیالیست اسکاتلند به ما کمک کردند صدها اطلاعیه در حمایت از "هفته کارگران ایران تنها نیستند" پخش کنیم.

فورم مارکسیستی روز 13 اکتبر - جلسه مشترکی با حامیان نشریه کریتیک - با عنوان اسلام سیاسی در قدرت در ایران و رابطه آن با کار و سرمایه به زبان انگلیسی برگزار کرد که در آن تعدادی از فعالین چپ از جمله برخی از اعضای مرکز تحقیقات تیوری و جنبش های سوسیالیستی در دانشگاه گلاسکو که همراه با بخش پرسش و پاسخ 4 ساعت طول کشید شرکت کردند. سخنران این جلسه یاسمین میظر بود.

در روزهای قبل از ماه اکتبر فعالین کمپین «هفته همبستگی با کارگران ایران» در انگلیس و اسکاتلند موفق شدند حمایت برخی از اساتید مارکسیست و فعالین جنبش چپ را در حمایت از کارزار بدست آورند، از جمله پروفیسورها:

استفان مزارس (مؤلف کتاب در فراسوی سرمایه)

موشه ماخور از دانشگاه لندن. کینگز کالج و از فعالین جنبش ضد صیهونیستی

برژیت فاوئر. استاد دانشگاه گلاسکو

کریستین کوپر استاد دانشگاه ستر اسکلاپد

پرفیسور بازیل کورکاتیس استاد دانشگاه آکسفورد

تری برازستون استاد دانشگاه آبردين

کلیف سلوتر استاد دانشگاه برادفورد و از اولین بنیانگذاران جنبش ترنسکیستی در بریتانیا که اکنون با نقدی بر گذشته در جنبش برای سوسیالیسم فعالیت دارد.

هفته دوم ماه اکتبر کار ثبت رسمی صندوق کمک به کارگران ایران نیز به نتیجه رسید و اساسنامه این صندوق به مثابه یک خیریه مطابق با قوانین بریتانیا تایید شد که اطلاعات مفصل تر در این رابطه بعداً منتشر خواهد شد.

گزارش از حرکت کارگران ایران تنها نیستند در لندن

به دعوت شرکت کنندگان در این حرکت، تظاهراتی در روز چهارشنبه 4 اکتبر 2005 از ساعت 12 تا 2 در برابر سفارت جمهوری اسلامی در لندن برگزار شد. در این تظاهرات تعدادی از نمایندگان کارگران بریتانیایی از اتحادیه های مختلف کارگری و فعالین کارگری ایرانی شرکت داشتند.

پشتیبانی رهبران اتحادیه های کارگری و اعضای پارلمان بریتانیا از کمپین «کارگران ایران تنها نیستند»

در روز چهارشنبه 28 سپتامبر 2005، در شهر ساحلی برایتون، کنفرانس حزب کارگر با واقعی شگفت آوریه مواجه شد. هنگام سخنرانی جک استرا، وزیر امور خارجه بریتانیا، در مورد «دموکراسی در عراق» فردی داد می زد «مزخرف» و «دروغ است». ناظران جلسه این فرد را به زور از سالن بیرون انداخته و کارت ورودی او را دستش گرفتند. وقتی که این فرد سعی کرد که بار دیگر به سالن وارد شود بنا به قانون جدید ضد تروریسم از ورودش جلوگیری شد! پس این فردی که رهبری حزب کارگر را وادار به چنین واکنش خشنونت آمیزی کشاند چه کسی بود؟ کدام تروریست بین المللی بود؟ باعث ننگ «حزب کارگر» (!) آقای بلر است که کسی را که از سالن بیرون انداختند والتر ولفگانگ (Walter Wolfgang)، فردی 82 ساله که چندین دهه عضو

حزب کارگر بریتانیا بوده است، و در سال 1937 از آلمان نازی ها

به بریتانیای دموکراتیک فرار کرده بود(!)، می‌باشد. این واقعه نقداً از سوی بعضی‌ها «والتر گیت» شناخته شده است.

شب همان روز اولین سخنران جلسه «کمیته نمایندگی کارگر (Labour Representation Committee)» «چتر» اصلی برای جمع آوری فعالین چپ درون حزب کارگر، والتر ولفگانگ بود. در این جلسه، که در آن حدود 150 شرکت کرده بودند، فعالین چپ اتحادیه های کارگری و حزب کارگر شرکت کردند. در بین آنان اطلاعیه کمپین «کارگران ایران تنها نیستند» وسیعاً توزیع شد و وضعیت کارگران ایران به تعداد بسیاری از شرکت کنندگان تشریح شد. بر اساس این مداخله چهار عضو چپی حزب کارگر در پارلمان، رهبران دو اتحادیه کارگری، و تعداد بسیاری از کادرهای رهبری و فعالان اتحادیه‌های کارگری اعتراضنامه کمپین «کارگران ایران تنها نیستند» را امضاء کردند.

بعضی از امضاء کنندگان:

باب کرو، رهبر اتحادیه کارگران راه آهن، دربانوردی و ترانسپورت (RMT)

مارک سرواتکا، رهبر اتحادیه کارمندان بخش عمومی (دولتی) (PCS)

جان هولمز، عضو کمیته ملی اتحادیه کارگران مخابرات (CWU)

جان مکدونال، عضو پارلمان حزب کارگر

جرمی کوربین، عضو پارلمان حزب کارگر

کیتی کلارک، عضو پارلمان حزب کارگر

باب ورینگ، عضو پارلمان حزب کارگر.

در ادامه کمپین «کارگران ایران تنها نیستند» در نروژ شب همبستگی با کارگران ایران برگزار شد!

عصر روز یکشنبه 9 اکتبر 2005 شب همبستگی با کارگران ایران با شرکت تعدادی از مدافعین حقوق کارگران ایران در شهر اسلو برگزار گردید. این مراسم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت بیاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم برنامه خود را شروع کرد.

سپس رفیق بهروز ناصری عضو حزب کمونیست ایران در معرفی کمپین، زمینه و اهداف آن و سپس فعالیت‌های که فعالین کمپین «کارگران ایران تنها نیستند» انجام داده بودند، مختصر سخنانی ایراد کردند. رفیق در سخنانش به ضرورت برجسته کردن موضوع جنبش کارگری و مبارزات کارگران در بطن اوضاع سیاسی کنونی و اهمیتی که این عرصه دارد، بعنوان آلترناتیو سیاسی و طبقاتی در مقابل آلترناتیو راست و بورژوازی که امید خود را برای شرکت در قدرت سیاسی به دخالت آمریکا و دولت‌های غربی بسته اند، اشاره داشته و افزودند که در شرایطی که

رسانه‌های گروهی امروز در کشورهای که ما مقیم آن هستیم هیچ انعکاسی از وضعیت زندگی و مبارزات کارگران و زحمتکشان ندارند، این کار روی دوش کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها و مدافعان حقوق کارگران می‌افتد تا وضعیت زندگی و مبارزاتی طبقه کارگر ایران را به گوش اتحادیه‌های کارگری و احزاب چپ و سوسیالیست در این کشورها برساند و همزمان کوشش شود تا همبستگی و حمایت آن‌ها از حقوق و مبارزات کارگران ایران هر چه بیشتر بدست آورند.

سخنران بعدی رفیق یاور اعتماد عضو سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بود. ایشان ضمن خوشامدگویی به شرکت کنندگان، افزودند که «هفته همبستگی با کارگران ایران» با عنوان «کارگران ایران تنها نیستند!» در شرایطی صورت می‌گیرد که با تشدید سیاست‌های نئولیبرالیستی در ایران بر ابعاد فاصله و ستم طبقاتی افزوده شده است و ما شاهد گسترش روز افزون مبارزه مزد و حقوق بگیران یعنی کارگران واحد های صنعتی، خدمات، معلمین، پرستاران و غیره برای احقاق حقوق خود هستیم. فرا رویی این مبارزه در عرصه سیاسی می‌تواند خود ضامن برقراری و پایداری دموکراسی و آزادی و برابری در ایران باشد. جلب حمایت بین المللی از این حرکت‌ها امروز بر عهده ما فعالین سوسیالیست و کمونیست است که اصولاً با چنین رسالتی معنی و تعریف می‌شویم. امیدوارم در این رسالت خود هوشیار، مصمم، پیگیر و متحد عمل کنیم» ...

بدنبال رفیق ارلینگ فولکوردر عضو سخنگوی حزب اتحاد سرخ برای انتخابات، ضمن حمایت خود و حزبش از حقوق کارگران ایران و این کمپین اظهار داشتند که «دولت نروژ انتخاب خود را کرده است. انتخاب دولت نروژ را باید از زاویه ارتباط و سرمایه‌گذاری شرکت نفت-ستات اویل) در ایران دید. آن‌ها به هیچ روی سیاستی که منافعشان را به خطر بیندازد اتخاذ نمی‌کنند. ما باید شبکه حمایت از حقوق کارگران ایران بسازیم و تلاش کنیم تا کارگران نروژی هر چه بیشتری در دفاع از حقوق کارگران ایران را همراه خود کنیم.»

در بخش دوم شب همبستگی دو فیلم به نمایش در آمد. اول فیلمی از اول ماه امسال در تهران، و دوم فیلم «شاهدان چشم بند زده» که از سوی کانون زندانیان سیاسی در تبعید آنرا دریافت کرده بودیم. با تشکر از دوستان کانون که با ما همکاری کرده و آن فیلم را برایمان ارسال کردند.

در سالن مراسم نمایشگاه عکسهای کارگران در حال اعتراض و تظاهرات، و همچنین میز کتاب و نشریات دایر بود. در خلال برنامه و هنگام استراحت موزیک و سرودهای انقلابی زینت بخش مراسم بود.

یاد آوری کنیم که اتحادیه سراسری کارگران (آل. او) بخش اسلو و حزب اتحاد سرخ برای انتخابات (ار.وی) رسماً از حقوق کارگران ایران و کمپین «کارگران ایران تنها نیستند» حمایت کرده و همبستگی خود را اعلام داشته بودند.

مراسم همبستگی با کارگران ایران در فضای صمیمی و رفیقانه‌ای برگزار شد.

ما باید فعالیت‌های مربوط به جنبش طبقه کارگر ایران را کماکان ادامه داده و تمام انسان‌های سوسیالیست و مدافعان حقوق کارگران را فرا می‌خوانیم تا در راستای تقویت منافع کارگران و زحمتکشان و جلب همبستگی هر چه بیشتر کارگران نروژ، با ما همراه باشند.

امروز چهارشنبه 12 اکتبر 2005، اعلام حمایت اتحادیه کارگران پست و ارتباطات از مبارزات کارگران ایران برای حقوق خود از جمله حق تشکل، را دریافت کردیم. به امید اینکه شاهد این باشیم که تمام کارگران نروژ و احزاب چپ و سوسیالیست نروژ همبستگی عملی خود با مبارزات کارگران ایران را بیان داشته و همبستگی جهانی کارگران به وزنه عینی در معادلات سیاسی طبقاتی تبدیل گردد.

فعالین کمپین «کارگران ایران تنها نیستند» - نروژ
12 اکتبر 2005

امنیت ما نمی‌تواند دفاع کند. او نمونه فعالان کرد را مثال آورد که برای اعتراض به سفارت رفته بودند و بوسیله "نیروهای امنیتی" سفارت دستگیر شدند. در نتیجه، پلیس با سفارت صحبت کرد و توافق نمود که یک نفر به نمایندگی از طرف سفارت به بیرون از سفارت آمده و اعتراضنامه را دریافت کند.

ما دلیل رفتن خود را به آنجا توضیح دادیم و اعلام کردیم که هر زمان متوجه شویم که حکومت بر روی اتحادیه‌ها و کارگران ایران فشار و خفقان اعمال می‌کند، باز برخوایم گشت.

ماریان هکل
از سوسیالیست‌های جوان آلسرگروند
اتریش

10 اکتبر 2005

تظاهرات در پاکستان در حمایت از کارگران ایران
هفته کارگران ایران تنها نیستند!

گزارش:

در هفته کارگران ایران تنها نیستند ما تصمیم گرفتیم که به مدت سه روز در چند شهر پاکستان در ابتدا امضا جمع آوری کنیم و آن‌ها و اعتراض خود را به مسئولان جمهوری اسلامی در پاکستان تحویل دهیم. ما موفق شدیم 300 امضا در لاهور، 400 امضا در راولپنڈی، 400 امضا در کوئته، 500 امضا در کراچی و 200 امضا در پیشاور از رهبران اتحادیه کارگری، حقوق دانان، شعراء، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی و دانشجویان جمع آوری کنیم.

تمام امضاها جمع آوری شده را در تظاهرات ایستاده در مقابل سفارت و کنسولگری جمهوری اسلامی در شهرهای فوق به مسئولان آن‌ها تحویل دادیم. به دلیل زلزله اخیر در پاکستان و گرفتاری رفقای ما در درگیری در کمک رسانی به زلزله زدگان ما تنها توانستیم عکس‌های در مقابل کنسولگری در کوئته را برای شما ارسال کنیم.

هنا- لاهور

24 اکتبر 2005

تظاهرات ایستاده در مقابل سفارت ایران در مادرید روز ۱۱ اکتبر تعدادی از کارگران و دانشجویان اسپانیا در مقابل سفارت ایران در مادرید در تظاهراتی به فراخوانی ای.میلیتانت و اتحادیه دانش آموزان اسپانیا شرکت کردند. این تظاهرکنندگان خواهان احترام به حقوق دمکراتیک کارگران ایران و پایان اختناق نیروی کار بودند. در پایان این تظاهرات ایستاده، شرکت کنندگان اسپانیای کوشش کردند اعتراض خود را به سفارت ایران تحویل دهند ولی سفارت از پذیرش این اعتراض خود داری کرد و حتی اجازه نداد طومار حمایت در صندوق پستی آن قرار گیرد. این متن قطعنامه این تظاهرات است: همراه با تظاهرات امروز ما طوماری را در دست داریم که توسط ده‌ها فعال کارگری امضا شده است و در آن سرکوب کارگران ایران محکوم شده است. ما خواهان پایان چنین سرکوبهایی هستیم. گرایش مارکسیست میلیتانت و اتحادیه دانش آموزان فراخوان بین‌المللی «کارگران ایران تنها نیستند» را پاسخ داده اند و ما به کارزار خود در دفاع از کارگران ایران و علیه نظام سرکوبگرانه ای که شما نماینده آن هستید را ادامه خواهیم داد.

تظاهرات وین: "کارگران ایران تنها نیستند!"

امروز عده‌ای فعالین "سوسیالیست‌های جوان اتریش" و عده‌ای از نمایندگان SOS "ایران" در جلوی سفارت جمهوری اسلامی ایران در همبستگی با کمپین بین‌المللی "کارگران ایران تنها نیستند!" دست به تظاهرات زدند. این فعالین پرچم‌ایی پیچیده ای را باز کردن که بر روی آن‌ها شعارهای همه زندانیان سیاسی در ایران آزاد باید گردند، آمده بود و به وضوح همبستگی بین‌المللی آن‌ها را با جنبش کارگران ایران نشان می‌داد.

نامه اعتراضیه‌ای که بوسیله جمع کثیری از فعالان سیاسی رده رهبری "سوسیالیست‌های جوان"، پیشروی کارگری و اتحادیه‌های کارگری سوسیال دموکرات امضاء شده بود، تحویل نماینده سفارت گردید. ما در حال ورود به سفارت بودیم که پلیس به ما اخطار داد که اگر وارد سفارت شویم، از

<http://www.etehadchap.org>

web@etehadchap.org

etehadchap@yahoo.co.uk